

سالی دیگر بر انقلاب گذشت

عید پیروزی هدفهای مردمی
انقلاب و نوروز اتحاد نیروها علیه
توطئه‌های آمریکا جشن بگیریم

شماره ۶

نوروز را با خانواده شهیدان، با مجر و حان و آوارگان تقسیم کنیم

مناسبت سی و هشتمین
سال تاسیس سازمان
جوانان توده ایران

۳۸ سال پیکار خستگی ناپذیر



از گان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال سوم، شماره ۶۷۷
پنجشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۱۲ جمادی الاول ۱۳۰۱-۱۳۰۲ هجری قمری

توده‌های ما بسیار خوشتر از صاحبان حقیقی این عید، بر سفره یگانه‌ای خواهند نشست.
توده‌های ما با تبریک نوروز، بومه شوهرمان کسر اسی، روز و منتهی که سال نهم سال
پیروزیهای خون انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشد.

هستند همراه توده‌ها، بهار
خویش را با صاحبان حقیقی این
عید بر سفره یگانه‌ای خواهند نشست.
اگر ماهی سرخسی در آب
تن می‌زنند، جای آن در سفره
آوارگان جنگ است. اگر شقایقی
در دست توده‌ای است، یا آن سفره
خانواده شهیدی پر خواهد شد.
اگر سبزی گل فراموش شود،
توده‌های آنرا نثار مزار شهیدان
می‌کند. اگر جامه‌ای قراباست
نو شود، بر قامت جنگ‌زدگان
نخواهد شد. اگر شیرینی هست،
طعم آنرا باید مجروحان جنگ
زیر دندان مرز مزمزه کنند.
توده‌های ما، که جان خویش را
نثار انقلاب کرده‌اند، نوروز خود
را با شهیدان و مجروحان، با
جنگ‌زدگان و محرومان تقسیم
خواهند کرد.

و همه‌جا، در سنگرها و سفره‌ها،
دیندهای اسیران و برگ‌سود
شهیدان، سهمی از این بهار
شگفت، نصیب خسانسوازه
توده‌های ماست.
این نوروز شگفته که در خون
و حماسه، در نبرد مرگ و
زندگی، بن بامهای وطن گل
می‌کند، نوروز شهیدان است.
عید مجروحان و اسیران است،
سال نوی آوارگان جنگ است،
که خانه و آشیانه باخته، در
خانه‌های دیگر و در اردوگاه‌ها،
سفره نوروز را می‌گسترانند.
سفره‌های که غسایبان آن، از
حضرانش بیشتر است. غایبان
همیشه حاضری، که یا دستگیر
برقله دشمن نشانه رفته‌اند و یا
در خاک خفته‌اند.

دل‌آوردان قهرمان ایران دهن باز میکند
و سبزه و گیاه می‌زاید و اینجا
و آنجا، پریماها و خانه‌های بسیار
این خاک پهن‌تر عزیز، بهار پای
به‌خانه شهیدان می‌گذارد و آوای
ایده شهیدان را باخوش‌تر از فرمان
می‌آورد. درخانه‌های بسیار، در
ری و نیشابور، دریم و ارسباران،
در قیسی و بوکان، در سراسر
ایران، سفره نوروز بسا عکس
شهیدان ترنم می‌شود.
هزاران هزار زحمتکش ایرانی،
سال را برخاک شهیدانی که همین
دیرینیکر با کستان را از جیب‌های
نبرد آورده‌اند، یار مزار قهرمانان
کنامی که بدست دشمنان شاه
شاید شده‌اند، سال را تحویل
می‌کنند. اینجا و آنجا، در این
شهر و آن شهر، در بیمارستان‌ها
و خانه‌ها، با پر رفت‌های مجروحان
جنگ و انقلاب که شمار آنان
از صد هزار فراتر است، فرود
می‌آید و بر چشمانشان بسوسه
می‌زند.

سومین بهار آزادی، نوروز
۱۳۶۰، بر بام‌ها و شهرها،
بر تمامی قلبها و دستها، بر همه
سفره‌ها و درگاه‌ها یگان
فرود نمی‌آید.
بهار بساط خویش را در
خوستان قهرمان در میان آتش
و خون می‌گستراند. در خونین‌شهر
شکوفه‌ها زیر نگاه دشمنان باز
می‌شود. در آبادان خاک زیر پای

بهار شکستی است. بهاری که
گل در اشک باز می‌شود و سبزه
در خون قد می‌کشد. بهاری که
آسمان در برابر دل‌آوری خلق
سرگشته‌تر می‌شود. آوارگان و
از خون شهیدان رنگ‌سبزی‌گیرند.
و این بهار، این روز نو، این
عید، به تمامی از آن شهیدان
مجروحان و آوارگان است و
توده‌های ما، که سنگر به سنگر
همراه خلق زمین‌مانند و خود
صاحب بخشی از این نوروز شگفت

بهار شکستی است. بهاری که
گل در اشک باز می‌شود و سبزه
در خون قد می‌کشد. بهاری که
آسمان در برابر دل‌آوری خلق
سرگشته‌تر می‌شود. آوارگان و
از خون شهیدان رنگ‌سبزی‌گیرند.
و این بهار، این روز نو، این
عید، به تمامی از آن شهیدان
مجروحان و آوارگان است و
توده‌های ما، که سنگر به سنگر
همراه خلق زمین‌مانند و خود
صاحب بخشی از این نوروز شگفت

بهار شکستی است. بهاری که
گل در اشک باز می‌شود و سبزه
در خون قد می‌کشد. بهاری که
آسمان در برابر دل‌آوری خلق
سرگشته‌تر می‌شود. آوارگان و
از خون شهیدان رنگ‌سبزی‌گیرند.
و این بهار، این روز نو، این
عید، به تمامی از آن شهیدان
مجروحان و آوارگان است و
توده‌های ما، که سنگر به سنگر
همراه خلق زمین‌مانند و خود
صاحب بخشی از این نوروز شگفت

بهار شکستی است. بهاری که
گل در اشک باز می‌شود و سبزه
در خون قد می‌کشد. بهاری که
آسمان در برابر دل‌آوری خلق
سرگشته‌تر می‌شود. آوارگان و
از خون شهیدان رنگ‌سبزی‌گیرند.
و این بهار، این روز نو، این
عید، به تمامی از آن شهیدان
مجروحان و آوارگان است و
توده‌های ما، که سنگر به سنگر
همراه خلق زمین‌مانند و خود
صاحب بخشی از این نوروز شگفت

پیام تبریک نوروزی کمونیست‌های عراقی به رهبران، کادرها، اعضا و هواداران حزب توده ایران

بهرام، شهید توده‌ای، میگفت:

زنده باد آینده، حتی اگر ما (من و تو) نباشیم!

صبح روز ۲۷/۹/۵۹ نیم
ملایم می‌زیست و صدای زوزه
خیمه‌های دشمن بگوش می‌رسید.
من و فاطمه برای شروع کار در
بیمارستان طالقانی روانه آنجا
شدیم. در طول راه خیابان‌ها خلوت
بوده، قتل کارگران پالایشگاه
در حالیکه با لباس کار می‌رس
دوچرخه‌های سوار بودند و بسوی
محل کار خود می‌رفتند. دیده
می‌شدند از پالایشگاه دور فلیط
برخاسته بود که تمام فضای کوی
قدس را اشغال کرده بود. یعنی
خانه‌ها بر اثر اصابت خیمه‌اره
بقیه در صفحه ۴

۱. همه از لورد فرقه‌ها خلق ما در جیب‌های لورد
می‌گذرد. ۲. همه است که در سنگین قهرمان ایران از خون
خویش حمله می‌آوردند. ۳. همه است که خلق را در ایران
برگ برنگ دهلی خویش را با خون رنگ می‌زنند.
آینه از این پس، هر چه در فقه مردم می‌خواهید
بفکری از شور انقلاب و حماسه لورد مردم تلخ ایران
است. که راسخ حشرات رفتی توده‌ای از جیب‌های لورد
نظم شده است. با زنده بگفتی جز، هواداران و مردم
قهرمان ایران، که شعله حمله آفرین خلق در جیب‌ها
بوده‌اند، تنها می‌کند. که با کرمال حشرات خود، با ما
بازی کنند.

آتر، دختر توده‌ای، از
شهادت هم‌رزمش، فلرزش،
بهرام سخن می‌گوید.
یگناریم خود آتر سخن
بگویی، که سخنت از لیل
برمی‌آید.

طی یک عملیات هماهنگ و تهاجمی:

یکی از ارتفاعات استراتژیک منطقه گیلان قرب به تصرف رزمندگان انقلاب در آمد

با عملیات رزمندگان سپاه در
۲ روز گذشته اطلاعاتی صادر
بقیه در صفحه ۴

بر آنان وارد آوردند.
روابط عمومی ستاد مرکزی
سپاه پاسداران انقلاب، در ارتباط

رزمندگان انقلاب در ادامه
نبرد با تجاوزگران صدامی در
جبهه سوسنگرد ضربات جدیدی

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

شعارهای ۳۸مین سال سازمان جوانان توده ایران

- فرخنده باد سی و هشتمین سالگرد سازمان جوانان توده ایران!
- زیر رهبری حزب توده ایران، حزب پرانتخاب طبقه کارگر ایران، در راه پیشبرد آرمانهای والای حزب مظلوم استقلال، آزادی و ترقی ایران، در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، برای تثبیت تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران، با تمام نیرو یگانه می‌شویم!
- تاریخ درخشان حزب توده ایران و سازمان جوانان توده ایران را بیاموزید و همواره میراث پرانتخاب حزب طبقه کارگر ایران را حفظ کنید. از سن انتحالی حزب توده ایران و سازمان جوانان توده ایران در هر مورد الهام بگیرید!
- بکوشید تا جهان بینی علمی حزب توده ایران را هر چه بیشتر فراگیرید و با مطالعه دقیق رهنمودها، بیانیه‌ها و اعلامیه‌های کمیته مرکزی حزب توده ایران و برین آن میان توده‌های انقلابی مین‌مان، به تصبیق و گسترش انقلاب شکوهمند مردم ایران یاری رسانید!
- مبارزه با امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکای، در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی را بتوان مهم‌ترین وظیفه خویش تلقی کنید!
- بکوشید تا مردم و جوانان را با دوستان و دشمنان انقلاب شکوهمند مین‌مان - در داخل کشور و در عرصه جهان- آشنا کنید!
- تقویت رهبری امام خمینی برای حفظ و تصبیق انقلاب شکوهمندمان وظیفه هر ایرانی مین‌دوست است. در حمایت و تقویت رهبری انقلاب فداانه شرکت جوئید!
- بکوشید تا جبهه متحد خلق بینظیر تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب شکوهمند مردممان در عمل، در کارخانه، کارگاه، روستا، مدرسه، دانشگاه و ... تشکیل شود. با حال تفرقه‌افکن راست و چپ‌ها و دشمنان رنگارنگ انقلاب یزیدگان مبارزه کنید و از هر اقدامی که موجب مستحشدن اتحاد عظیم مردم ایران باشد، بپرهیزید!
- در جبهه جنگ مین‌مان علیه تجاوززین صدامی و پشاز و یار و یاور نیروهای مسلح جمهوری اسلامی - از قس، سپاه پاسداران، نیروهای بسیج، ژاندارمری، شریانی، هتایر انقلابی و... بسایید!
- در پست جبهه، با هوشیاری در مقابل توطئه‌های گوناگون امپریالیسم و ضدانقلاب ایستادگی کنید و با صرفه‌جویی، اضافه کاری در موسسات تولیدی، کمک به کاشت، داشت و برداشت محصولات کشاورزی و همکاری با نهادهای انقلابی، چون جهاد سازندگی و جهاد دانشگاهی، جمع‌آوری کمک برای آوارگان جنگی و کمک به دولت جمهوری اسلامی، به تقویت و گسترش انقلاب یاری رسانید!
- بکوشید تا زحمتکشان را با حقوق دمکراتیک خود آشنا سازید، با ترمیم علل مشکلات و نارسائی‌های کنونی کشور، تبلیغات ضدانقلاب، سرمایه‌داری لیبرال و مائوئیستی آمریکائی را خنثی کنید!
- در فعالیت‌های سیاسی، توده‌ای و حشره‌ای همواره بر نقاط اشتراک و اتحاد و مصالح انقلاب تاریخ ساز کشورمان تکیه کنید و از آنچه موجب تفرقه و نفاق است، بپرهیزید!

۳۰مین سالگرد تصویب قانون ملی شدن نفت

۲۸ اسفند، ۴۰ سال تمام از تصویب قانون ملی شدن نفت می‌گذرد. تصویب این قانون نتیجه مبارزات مداوم مردم ایران علیه سلطه استعمار نفتی بود که خود سر آغاز جنبش عظیم ملی شدن نفت، بعنوان جنبش ضد امپریالیستی در راه تأمین استقلال و آزادی قرار گرفت. در این جنبش، که با استقرار حکومت ملی زد کمونیستی، خلق بد از شرکت غصب سابق نفت، مرد لاه‌های جاسوسی انگلیسی از ایران و بالاخره فرار

نگین شاه از ایران همراه بود، پیروزیهای بزرگی نصیب مردم ایران گردید. لیکن تقابل ضعف جنبش ملی شدن نفت، که در ابتدا افک بود، و برقع آنها در جریان جنبش اقدام نشد، بقیه در صفحه ۷

بهرام شهید توده‌ای میگفت...

بقیه از صفحه ۱

ویران شده بودند. در حاشیه خیابان چند نفری را دیدیم که اجناسی از قبیل کمپوت و مربا و سیگار و بیسکویت را روی پیشخوانی قرار داده و مشغول فروش این اجناس بودند. سکوت مرموزی ناشی از عدم جنب و جوش مردم حکمفرما بود. فقط صدای اصابت خیارها گاهی این سکوت را می‌شکست. جلوی مسجد با کیشه‌های شنی سنگر درست کرده بودند و نیز برادران پاسدار در آن سنگرها مشغول پاسداری بودند. تمام بولوارهای خیابانها را سنگر بندی کرده بودند. شهر وضع عجیبی پیدا کرده بود. آبادان زیبا اکنون بصورت یک جبهه جنگی درآمد بود. اکثر ماشین‌های تاکسی در آنجا دیده میشد. ارتش بودند. ماشین حامل ما از زیر درختان سر بهیم داده عبور کرد و به طرف جاده خونی‌شهر حرکت کرد. طول راه با سکوت همراه بود ما به بیمارستان طالقانی رسیدیم. آمبولانسهای حامل بیماران جبهه آذربایجان به بیمارستان می‌آمدند و بیماران را تحویل میدادند و برمیگشتند. وقتی وارد ساختمان بیمارستان شدیم، کارکنان آنجا، امه از داوطلبین دختر و پسر، پزشک، مہیار و پرستاران همگی سریع کار می‌کردند هر کدام به چپ و راست می‌دویدند و وسایل کاربزشکان را آماده میکردند. من چند لحظه ای ایستادم و به کار این عزیزان که جانفشانه کار میکردند، می‌نگریستم و از تلاش خستگی‌ناپذیرشان برای عجات بیماران لذت می‌بردم و پیش خود میگفتم: تا اینجا هستند «آمریکای هیچ غلطی نمی‌تواند بکنند». عمل آنها که ناشی از ایمان پاک و صادقانه‌اشان به انقلاب بود، مرا به یاد شاعر فلسطینی انداخت که گفت:

«ای دشمن! من سازش نخواهم کرد و تا آخرین لحظه و آخرین نفس خواهم جنگید. بعد از دیدن کار کارکنان اورژانس، به طرف دفتر رئیس بیمارستان رفتم. رئیس بیمارستان از ما پرسید:

چکاری بلدید؟

گفتم: ما اسدادر رسمی هستیم و هم کاری که باشد، ما انجام می‌دهیم.

او ما را پیش مدیر عامل داخلی فرستاد و ایشان کاری را که به ما محول کرد این بود که، بمناسبت کارگری، کار کارگران را کنترل کنیم. من بعنوان سرکارگر کارگران داخل بیمارستان شروع به کار کردم. کار عمده من این بود که ساعات شروع و اتمام کار آنها را تعیین کنم. تقسیم کار کنم، نوع کار آنها را در هنگام انجام وظیفه زیر نظر بگیرم. وقتی مدیرعامل بیمارستان مرا به آنها معرفی کرد، هیچ یادم نسرود که بطور برخورد کردند. یکی می‌گفت: مگر ما چندتا رئیس می‌خواهیم؟ دیگری می‌گفت: چرا هر کسی از راه میرسد رئیس ما میشود؟ یکی می‌گفت: هیچکس حق ندارد به ما دستور بدهد، مساکارمان مشخص است. خودمان انجام میدادیم.

کنند. دکتر به من گفت: دستکش بپوش و یا با را بگیر تا بخیه کنم.

دستکش پوشیدم و بیخ نان یای قطع شده را در دستهایم گرفتم. بیچاره قوی هیکل و تنومندی بود. تمام قوایم را در دستهایم متمرکز کردم و حدود نیم ساعت طول کشید، تا کار بخیه تمام شد. پای دیگری را هم میله گذاشتم و کج گرفتند. دستها و صورتش را هم عمل کردند.

فرمای آرزوی رفته بخش، که بیختمش. او در حالیکه با فارسی شکسته طلب آب می‌گفت، دگر را نیز صدا میکرد. ولی چون دکتر خوردن آب را برای او منع کرده بود، کسی به او آب نمیداد. از دیدنش خیلی ناراحت شدم. ناراحت شدم از این جهت که از این به بعد برای انجام کارهای اولیه شخصی‌اش باید از دیگران کمک بخواهد. آب خوردن، لباس پوشیدن و...

یک روز دیگر جوانی را آوردند که ترکش خیاره بسته شکست اصابت کرده بود. وقتی وارد اتاق عمل میشد، مرتباً شمار میداد:

«مرگ بر آمریکا، مرگ بر صدام، درود بر امام خمینی رهبر انقلاب!»

این بیمار بعد از عمل، که البته در نتیجه این عمل، لطحل و قسمی از روده‌اش را از دست داده بود، به حالت نیمه بیهوشی بود. چون دازوی بیهوشی هنوز تمام اثرش خنثی نشده بود. با این حال شمار میداد:

«مرگ بر آمریکا دشمن شماره یک مستضعفان! درود بر امام خمینی رهبر مستضعفان!»

مرگ بر صدام یزید کفر! این روحیه قوی آنها مارا واقعا نیرو میداد. مایه که در طول روز با دها بیمار جوراجور روزی می‌شدیم. مایه که ناظر قطع کردن دستها و پاها و قسمتهای دیگر بدن آنها بودیم.

روز ۲۱ دیماه بود. صبح زود از خواب بیدار شدیم و خودمان را برای رفتن آماده کردیم. بهرام نیز خودش را برای رفتن به محل کارش آماده کرد. بهرام در آبادان بود. ولی داوطلبانه در سنگرسازی ایستگاه ده کار می‌کرد. این محل یکی از خطرناکترین جاهائی بود که همیشه در معرض خیارهای دشمن قرار داشت. من و شهبلا و فاطمه، هم بیمارستان شدیم. فوری اطاق عمل را تمیز کردیم. آماده‌برای پذیرش بیمار کردیم. آن روز بیمار نیاروردند. حدود ساعت ۱۲:۵۰ بود که یکی از دوستان آمدتوی اطاق عمل و گفت: «راستی بهرام تصادف کرده؟» گفتم: «40! چون ما صبح ازهم جدا شدیم، کسی این اتفاق افتاده؟» گفتم: «46»

خلاصه ما رفتم، لباس عوض کردیم و برای صرف ناهار به سالن غذاخوری رفتم. قانعستم که ناهار بخوریم، که لای در سالن باز شد و به شهبلا اشاره کردند که بیا. وقتی شهبلا رفت، منم پشتسر از رفته بیرون. دیدم محسن و عباس، دو تاز دوستانم، یا چشمان‌اشک‌آلود ایستاده‌اند. به آنها نگاه کردم و گفتم: «چی شده؟» گفتم: «بهرام زخمی شده».

پیام تبریک نوروزی کمونیستهای عراقی به رهبران، کادرها، اعضاء و هواداران حزب توده ایران

پیام تبریک زیر بنامست عید نوروز، از جانب کمونیستهای عراقی، خطاب به رهبران، کادرها، اعضاء و هواداران حزب توده ایران رسیده است، که عیناً درج میگردد:

عید نوروز به تمام مبارزان راه استقلال و آزادی ایران مبارکباد! بهترین و صادقاته‌ترین تبریکات ما را بپذیرید، با آرزوی موفقیت برادران عزیز و مردم شهیدپرور ایران در مبارزه علیه امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا و ستون پنجم آن و به خاطریشروی انقلاب به سوی فردای روشن!

ما بنام خلق زحمتکش عراق مبارزه شما و مردم ایران را بر ضد نیروهای تجاوزگر رژیم

صدام حسین - دشمن مردم و انقلاب شکوهند ایران تأیید می‌کنیم. ما از اینکه شما مبارزه ما را در راسرنگون کردن رژیم فاشیست بعث عراق و تلاش ما را برای اتحاد همه نیروهای انقلابی و مترقی در عراق تأیید میکنید، مفتخریم. ما مطمئن هستیم که یونوه براندی دو حزب ما بر اساس مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، محکمتر خواهد شد. ما یقین داریم که روابط مردم ایران و عراق بر اساس همبستگی و دوستی تقویت خواهد شد. ما امیدواریم که سال ۶۰ برای مردم ایران سال پیروزیهای بزرگتری باشد. برای حزب برادر توده ایران نیز موفقیت‌های بیشتری آرزو مندیم»

نخستین شماره نامه «مردم»، پس از تعطیلات نوروزی، شنبه ۸ فروردین ۱۳۶۰ منتشر خواهد شد.

یکی از ارتفاعات...

بقیه از صفحه ۱

کرد. مطابق این اطلاعیه، پاسداران انقلاب، ساعت ۸ صبح روز شنبه ۲۶ اسفند، در غرب سوسنگرد، پس از شناسایی مواضع دشمن و با هماهنگی با توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، دشمن متجاوز را مورد حمله قرار دادند و طی تیرهای شدید، یک گردان پیاده، یک گروهان شامل ۳۰ دستگاه تانک و ۲ گروهان نفربر دشمن را منهدم کردند و ضمن بهغنیت گرفتن تعدادی تانک و آمبولانس تیرهای خصم، بیش از ۱۰۰ تن از تجاوزگران صدامی را به هلاکت رساندند و بیش از ۶۰ تن از آنان را به اسارت گرفتند. در جریان این عملیات دلاورانه ۱۳ تن از رزمندگان گناه‌ساز به شهادت رسیدند. همچنین در محور حمیدیه، واحد موشک‌تار رزمندگان سپاه پاسداران انقلاب مواضع نیروهای زرهی دشمن را زیر آتش شدید قرار دادند و چند تانک تانک و خوددوری تجاوزگران صدامی را منهدم کردند.

در صحنه‌های نبرد غرب کشور نیز پاسداران انقلاب، با همکاری رزمندگان ژاندارمری و ارتش، یکی از ارتفاعات استراتژیک را به تصرف خود درآوردند و بیش از ۴۰ تن از افسران و درجه‌داران صدامی را به اسارت گرفتند. در جریان این عملیات تعدادی از تانکهای ارتش صدام نیز بهغنیت گرفته شد.

اطلاعیه شماره ۴۳۸ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز گوشه‌ای از عملیات رزمندگان انقلاب را تشریح کرده است. به موجب این اطلاعیه، بامداد روز ۲۶ اسفند، رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، با همکاری پاسداران انقلاب، ژاندارمری و دیگر نیروهای مسلح، موفق شدند که تجاوزگران صدامی را از ارتفاعات چغالوند قصر شیرین بیرون رانند. در این عملیات ۳۲ تن از تجاوزگران صدامی به اسارت درآمدند. همچنین یک فرودگاه هواپیمای متجاوز دشمن در بوشهر روز ۲۵ اسفند بر اثر اجرای آتش پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران سرنگون شد. بر اثر آتش رزمندگان

کمک مالی به حزب توده ایران!

فراک از شهریار ۲۰۰ ریال
داها از کرج ۲۰۰۰ ریال
ازوشهر ۴۰۰۰۰ ریال
نویید - ب ۱۳۰۰۰ ریال
سازا از لوس آنجلس ۱۰۰۰۰۰ ریال
از جشن تولد نما ۳۲۰۰ ریال

انقلاب در جبهه‌های آبادان نیز ۳ خودرو، ۲ انبار مهمات، ۱۶ سنگر اجتماعی و انفرادی دشمن منهدم و تعدادی از تجاوزگران کشته و زخمی شدند. در جبهه‌های اهواز- کرخه کورد و کرخه، رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در مقابله با آتش تجاوزگران صدامی، ضربات مهلکی بر آنان وارد کردند و یک تانک و تعدادی از وسایل دشمن را منهدم کرده حرکت آنان را متوقف کردند. در این جبهه‌ها ۳۴ تن از تجاوزگران صدامی کشته و زخمی شدند. ساعت ۱۵ و ۴۵ دقیقه روز ۲۵ اسفند، تجاوزگران صدامی شهر ذوقول را مورد یورش قرار دادند که در اثر آن ۲ تن از هوپتان ما مجروح شدند و خسارتی به شهر وارد آمد. همچنین تجاوزگران صدامی در حمله به مناطق مسکونی شهر آبادان چندخانه مسکونی را ویران کردند. در اثر این حمله ۶ تن از هوپتان آبادانی مجروح شدند.

تصرف یک منطقه استراتژیک

رزمندگان انقلاب بامداد روز ۲۶ اسفند طبریک‌زشته عملیات تهاجمی در منطقه گیلانغرب، یکی از مهمترین ارتفاعات سوق‌الجیشی را از تجاوزگران صدامی پس گرفتند و تلفات سنگینی بر آنان وارد کردند. به گزارش خبرگزاری پارس در این عملیات، بلافاصله پس از تصرف این ارتفاع، به پاکسازی محل اقدام شد. همچنین در این عملیات حدود ۲۰۰ تن از متجاوزان کشته و زخمی شدند و عده‌ای نیز در بیابانهای متواری شدند. در این نبردها ۴ تانک دشمن و تعدادی از تجهیزات و مهمات آنان بهغنیت گرفته شد.

به مناسبت سی و هشتمین سال تأسیس سازمان جوانان توده ایران

۳۸ سال

پیکار خستگی ناپذیر

اول فروردین ۱۳۲۰، در سومین بهار آزادی، جوانان انقلابی ایران سی و هشتمین سالگرد تأسیس سازمان جوانان توده ایران را گرامی می‌دارند. ۳۸ سال پیش، در اول فروردین ۱۳۲۲، بنا به تصمیم رهبری حزب توده ایران و بر مبنای ضروریات عینی ناشی از نیاز جوانان به یک سازمان انقلابی پیشکار، سازمان جوانان توده ایران تأسیس شد. سازمان جوانان توده ایران، تحت رهبری حزب توده ایران به زودی به یک سازمان فراگیرنده هزاران جوان میهن‌دوست، پرشور و انقلابی بدل گردید. تاریخ ۳۸ ساله سازمان جوانان توده ایران سرشار از فداکاری و ایثار در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و به خاطر استقلال، آزادی، سعادت زحمتکشان و تأمین حقوق جوانان، به ویژه جوانان زحمتکش و کارگر میهن‌مان است. سازمان جوانان توده ایران طی خبات‌یافتن‌خارخوشی مراحل گوناگونی را پشت سر گذارده و در شرایط مختلف مبارزه علیه مخفی و همواره پرچم‌دار جنبش انقلابی جوانان ایران بوده است. مرحله نخست زندگی سازمان جوانان توده ایران، از تأسیس آن در سال ۱۳۲۲ تا بهمن ۱۳۲۷ را دربر می‌گیرد. در این دوران سازمان موفق شد از طریق فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی، تبلیغاتی و انتشاراتی گسترده نقش عظیمی در بسیج و تشکیل جوانان در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع در ترویج فرهنگ انقلابی در میان جوانان کشور ایفا نماید. نشریات سازمان، به ویژه "مردم برای جوانان" و "رزم" ارگان مرکزی سازمان جوانان توده ایران توانستند سهم ارزنده‌ای در افشای ماهیت امپریالیسم و اشنایه و گسترش فرهنگ مارکسیستی، ترویج روحیه میهن‌دوستی و هم‌بستگی انترناسیونالیستی داشته باشند. نخستین کنفرانس سازمان، که در سال ۱۳۲۶ برگزار شد، بیانگر این واقعیت بود که سازمان جوانان توده ایران به متشکل‌ترین و ریشه‌دارترین سازمان جوانان ایران بدل گشته است.

دانشجویان ایران ایفا کرد و موفق شد که دانشگاه را به سنگر مبارزه استقلال طلبانه و آزادی خواهانه جوانان کشور بدل سازد. سازمان دانشجویان دانشگاه تهران بلافاصله به عضویت اتحادیه بین‌المللی دانشجویان در آمهوپس از چندی به عضویت هیئت دبیران و پرچم‌دار هم‌بستگی و پیوند جنبش جهانی دانشجویی با جنبش انقلابی مردم و دانشجویان ایران گردید. سازمان جوانان توده ایران، همچنین در عرصه شکل‌دهی آموزش عالی نقش عظیمی ایفا کرد. نخستین سازمان دانش آموزی ایران (سازمان دانش آموزان ایران) تلاش سازمان جوانان توده ایران در سال ۱۳۳۰ به وجود آمد و "دانش آموز" توانست بمثابة بیانگر خواست‌ها و نیازهای دانش آموزان محروم این سرزمین، هزاران دانش آموز را بهرامون خود متحد و متشکل سازد. سازمان دانش آموزان ایران از طریق انجمن‌های علمی و ادبی و فرهنگی، مجالس سخنرانی، تئاتر، کسرت، گردش‌های دسته‌جمعی، مسابقات ورزشی و غیره نقش عظیمی در ارتقاء روح مردم دوستی و فرهنگ توده‌های دانش آموز میهن‌مان ایفا کرد.

سازمان جوانان توده ایران در این دوران توانست هزاران جوان کارگر و زحمتکش را در صفوف خود

نمایش ورزشی جوانان در تابستان ۱۳۲۵ در امجدیه تحت شعار "صلح و استقلال ملی" و با شرکت هزاران جوان برگزار گردید. در عرصه فعالیت بین‌المللی نیز، سازمان جوانان توده ایران از بنیانگذاران فدراسیون جهانی جوانان دمکرات (تاسیس ۱۳۲۴) است. سازمان جوانان توده ایران، علیرغم برخی انحرافات و اشتباهات، که از بی‌توجهی به رهنمودهای حزب توده ایران ناشی می‌شد، در افشای توطئه‌های امپریالیسم، به سرکردگی جوانان میهن و علیه حکومت ملی دکتر مصدق فعالانه شرکت داشت. در روزهای حساسی که امپریالیسم آمریکا می‌کوشید، تا با ایجاد تفرقه و اغتشاش توطئه شوم کودتای خود را عملی سازد، سازمان جوانان توده ایران منادی یگانگی و اتحاد جوانان مترقی بود. "جوانان دمکرات" ارگان کانون جوانان دمکرات، در شماره مورخه ۱۳۳۲/۱/۳۱ چنین می‌نویسد:

"جوانان! در کارخانه کارگاه ها، در مدارس و دانشگاه و در هر کجا که هستید، اختلاف را کنار بگذارید! در زیر پرچم جنبه واحدی کرد آید و به دفاع از آزادی و استقلال میهن گرامی بیاخیزید! صاحب هر عقیده‌ای که هستید، متحد شوید. دقایق حساس و بحرانی

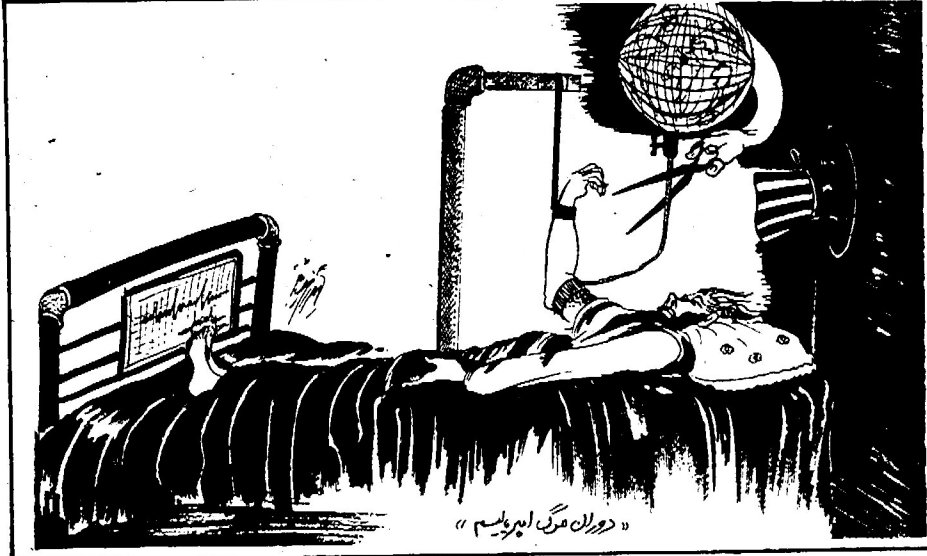
و هزاران توده‌ای به زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های شاه - آمریکا فرستاده شدند، و بدین ترتیب مرحله سوم مبارزه‌شان جوانان توده‌ای آغاز گردید. جوانان توده‌ای، بر اساس رهنمودهای حزب توده ایران، فعالانه به مقابله با رژیم کودتا پرداختند و با ناپیشت و راهمپایی‌های موضعی به مقاومت در مقابل رژیم کودتا برخاستند. از جمله می‌توان از مراسم جهلم رفیق شهید وارطان سالخانیان نام برد که، در شرایط اختناق نظامی و حکومت سرنیزه، برگزار گردید و به تظاهرات اعتراضی علیه رژیم کودتا بدل گردید.

در این دوران سازمان جوانان توده ایران دهها شهید نام‌وکنام به میهن انقلابی تقدیم داشت: قهرمانانی چون وارطان سالخانیان، محمود کوچک شوشتری، جی‌اس‌کس باغدانیان، حسین حریری، هوشنگ پور رضوانی، بزرگنیا و شریعت‌رضوی (شهید ۱۶ آذر) و ... که نامشان همواره بر تارک خونین جنبش جوانان ایران خواهد درخشید. طی سالهای طولانی اختناق و در زیر ضربات خردکننده فرمانداری نظامی و سپین‌سواک، جوانان توده‌ای پرچم مبارزه را در هر سنگری، در کارخانه، دانشگاه و ... همچنان در اهتزاز نگه داشتند و از جامع بین‌المللی و نشست‌های جوانان مترقی جهان - منظور مبارزه علیه رژیم شاه - آمریکا استفاده کردند.

انقلاب شکوهمند مردم ایران، که اعضا و هواداران حزب توده ایران و سازمان جوانان توده ایران در آن فعالانه شرکت داشتند، مرحله نوینی در زندگی سازمان جوانان توده ایران گشود. پس از پیروزی انقلاب، جوانان توده‌ای دوش بدوش دیگر جوانان انقلابی میهن‌مان به مبارزه برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب پرداختند. سازمان جوانان توده ایران، تحت رهبری حزب توده ایران، همواره منادی اتحاد و تشکیل جوانان در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مقابل توطئه‌ها و دسایس امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بوده است و در این عرصه نقش فعالی ایفا کرده‌می‌کند. سازمان جوانان توده ایران به دنبال تجاوز رژیم جنایتکار صدام در پی فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، طی فراخوان مورخه ۵۹/۷/۱ همه اعضا و هواداران خود را به شرکت فعال در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دعوت نمود. دهها جوان توده‌ای چون اصفریادفر، حمید حمدانیان، تقی چاوشی، حجت‌الله ذوالفقاری، سیمین سلامی - زاده و ... که در جبهه‌های جنگ میهنی به شهادت رسیده‌اند، گواه عزم راسخ آنان در دفاع از انقلاب میهن انقلابی و ساختن ایران مستقل، آزاد و آباد است.

جوانان توده‌ای در ۲۸مین سال تأسیس سازمان خود، دگر باره تجدید عهد می‌کنند که به آرمان شهیدان خود وفادار بمانند و تحت رهبری حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مقابل توطئه‌های امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم داخلی و خارجی آن و در راه ایجاد جامعه‌ای فارغ از بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی، با تمامی تلاش و توان خویش بزمند.

برای آشنایی با نقش جوانان توده‌ای پس از انقلاب شکوهمند مردم ایران، به مقاله "جوانان و دو سال مبارزه در راه تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب"، "صمیمانه" مردم برای جوانان توده، شماره ۵، بهمن ۵۹ رجوع شود.



"دوران مرگ امپریالیسم"

است. و در قبال توطئه کودتای امپریالیسم دربار چنین هشدار می‌دهد: "جوانان ... صفوف خود را متحد سازید. ... هشپاری و آگاهی خود را از دست ندهید! همه حال آماده باشید! و با هر وسیله‌ای که در دست دارید، برای سرکوبی کودتا - چنان به خیابان‌ها بیاید!" در کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، موج تهور و اختناق علیه نیروها و سازمان‌های مترقی و قبل از همه علیه حزب توده ایران آغاز گردید. دهها توده‌ای اعدام شدند

حیاتی جوانان تضاد آشکار دارد و "امپریالیسم برای میلیون‌ها جوان ایرانی شرایط را نیکب زندگی به بار آورده است" (رزم - ۱۳۳۰/۸/۲۰) و از اینرو وظیفه مقدم خویش را بسیج جوانان علیه امپریالیسم و افشای ماهیت کریه آن می‌دانست. سازمان جوانان توده ایران در این عرصه، و به ویژه در افشای ماهیت امپریالیسم خواسته ایالات متحده آمریکا، شرکت وسیعی داشت. در قطعنامه کنفرانس کشوری دفاع از حقوق جوانان، که به ابتکار سازمان جوانان توده ایران و با شرکت نمایندگان دهها هزار جوان برگزار گردید، از جمله این خواستها

متشکل سازد و آنان را در امر مبارزه علیه امپریالیسم، ارتجاع و تأسیس حقوق کارگران و زحمتکشان بسیج نماید. بطور مثال در سال ۱۳۳۲، در کنفرانس جوانان مکانیک ۷۰۰ نماینده در کنفرانس جوانان کار - خانه‌های جای ۲۵۰ نماینده در کنفرانس بلورسازها و آئینه‌سازهای جوان ۸۰۰ نماینده (که رقم آن ۱۲ برابر شرکت‌کنندگان در کنفرانس قبلی بود) شرکت داشتند. در عرصه ورزش نیز سازمان جوانان توده ایران مرسی و مشوق صدها ورزشکار جوان بود و نخستین مسابقات ورزشی جوانان به ابتکار آن برگزار گردید. نخستین

که منجر به "غیرقانونی شدن حزب توده ایران توسط ارتجاع و دربار گردید، سازمان جوانان توده ایران نیز تحت پیگردلیس و اعمال امپریالیسم قرار گرفت و بدینسان دوران ۳۰ ساله مبارزه مخفی و غیرعلنی سازمان - که تا انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ به درازا کشید - آغاز شد.

جوانان توده‌ای در این دوران، سازمان جوانان توده ایران با تشکیل کانون جوانان دمکرات در سال ۱۳۳۰، توانست میان مبارزه مخفی و علنی پیوند برقرار کند. دفا تر کانون میهن‌دوست و زحمتکش میهن بدل گردیدند. سازمان جوانان توده ایران متشکل و سازماندهی نخستین اتحادیه‌ها و سازمان‌های دانشجویی در کشورمان بود. در ریز تولا شد دانشجویان توده‌ای، در سال ۱۳۳۴ اتحادیه‌های دانشجویان دانشگاه‌های فنی و علوم، در ۹ آذر ۱۳۳۸ سازمان موقت دانشجویان کوی دانشگاه و در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۳۹، سازمان دانشجویان دانشگاه تهران تأسیس گردید. سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، نقش فعالی در مبارزه ضد امپریالیستی

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

کارگران «گالش ساز» میانه از محرومترین کارگران ایران هستند

کارگران «گالش ساز» میانه از محرومترین کارگران ایران هستند. این حقیقت با ورود به محیط کار این کارگران به وضوح به چشم می خورد. محیط کار تنگ و تاریک و فضای آن مملو از گرد و غبار است.

۲ کارخانه گالش سازی در میانه وجود دارد و در هر کدام ۲۰ کارگر مشغول به کار هستند. این کارخانه ها در ۲ شیفت ۱۸ ساعت فعالیت می کنند. هر کارخانه از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول اتاقی است که در آن کفترهای پلاستیکی کهنه توسط ماشین ریز ریز می شوند و در قسمت دوم دستگاه «گالش» سازی قرار دارد. که از یک طرف پلاستیک های خرد شده را ابتدا در «توره» جهت ذوب شدن می ریزد و از طرف دیگر پلاستیک های ذوب شده «گالش» می سازد.

در هر کارگاه، گذشته از کارگران همولی، عده ای از کودکان نیز جهت بسته بندی و بریدن زواید «گالشها» به کار گمارده شده اند. در این کارخانه روزانه ۶۰۰ تا ۷۰۰ جفت «گالش» تولید می شود. هر جفت گالش نیز به قیمت ۶ تا ۷ تومان به بازار فروخته می شود، که همین گالشها به قیمت ۱ تا ۲۰ تومان به مردم فروخته می شود.

وارد یکی از این کارگاهها می- شویم و به عویش «یکی از کارگران آن، صحبت می کنیم. وی می گوید: «۱۲ سال است در این کارخانه کار می کنم. روزی ۶ تومان دستمزد می گیرم که نمی تواند مایحتاج روزانه را تأمین کند. از بیمه هم خبری نیست و هر وقت کار فرما بخواهد، می تواند ما را اخراج کند، و این در صورتی است که هر ماه، از حقوق ما حق بیمه کسر می شود. «جلیل» یکی دیگر از کارگران می گوید:

«تا کنون هیچ کس از مقامات مسئول نیامده اند، تا وضع ما را از نزدیک ببینند. ما در اینجا هیچ گونه مزایای قانونی برخوردار نیستیم. «حسن» کارگر دیگری است که از گرانی شکایت دارد و می گوید:

«با ۵۵ تومان دستمزد روزانه چگونه باید زندگی ۵ نفر را تأمین کرد؟» کودکان این کارگاه نیز، چون دیگر کودکان کارگر کشورمان، برای

کارگران «گالش ساز» بیمه نیستند و ترس از بیگاری دائمی آنها را از آن میانه

تأمین مایحتاج زندگی خود و خانواده شان، ناچار درس و مشق را رها کرده، راهی این مکانها شده اند. در این مکانها نیز با حداقل حقوق، بیشترین و طاقت فرساترین کارها را انجام می دهند.

محمد ۱۴ ساله می گوید: «بدرم پیرو و از کار افتاد ماست و من مجبور شدم به جای رفتن به مدرسه به اینجا بیایم. اینجا روزانه ۶۰ تومان

فرمان کار باید در سراسر کشور اجرا شود و کارگران از محیط کار غیربهداشتی، ساعات کار زیاد و کمی دستمزد، تغذیه نامناسب

مزد می گیرم، که باید خرج عنقریب با آن تأمین کنم. با این که خیلی دلم می خواهد درس بخوانم، ولی تاکنون نتوانستم. حالا نیز تنها چیزی که هست، می ترسم بیکار شوم. بهرام کارگر دیگری است که ۱۵ سال دارد و می گوید: «بیش از ۹ کلاس درس نتوانستم بخوانم. چون مجبور شدم قسمتی از تأمین خرج خانواده را به عهده بگیرم. چندی پیش برادر بزرگم به سربازی

رفت و حالا من به تنهایی، با ۵۰ تومان دستمزد، باید خرج ۷ نفر را تأمین کنم.

محمد کارگری است که ۱۸ سال سن دارد. وی تحصیل را رها کرده و تنها تأمین کننده خرج خانواده است. زلفعلی، کم سن ترین کارگر این کارخانه است و ۱۱ سال دارد. روزی ده تومان مزد می گیرد و همراهِ پدرش در اینجا کار می کند.

تأمین منافع زحمتکشان در سراسر کشور از مبرمترین وظایف جمهوری اسلامی ایران است، وظیفه ای که بستگی مستقیم با انقلاب و پیشبرد اهداف آن دارد.

تأمین عادلانه کار باید در سراسر کشور اجرا شوند و کارگران از نابسامانی هایی چون کمی دستمزد، ساعت کار زیاد، محیط غیربهداشتی و غیره نجات یابند.

در این کارگاه کارگران در محیطی غیربهداشتی کار می کنند و این می تواند جان کارگران را تهدید کند. دستمزد اکثر آنها نیز کمتر از حد تعیین شده توسط وزارت کار است. این حق قانونی کارگران است که از

فرمان کار باید در سراسر کشور اجرا شود و کارگران از محیط کار غیربهداشتی، ساعات کار زیاد و کمی دستمزد، تغذیه نامناسب

حداقل امکانات زندگی برخوردار شوند. هم چنین کودکان بی شماری در چنین کارگاههایی به علت فقر مالی شدید، مجبور به فروش نیروی کار خود هستند، در حالی که کمزور رشد، آموزش و فراگیری آنهاست. تأمین امکانات برای تحصیل کودکان کارگر و تأمین زندگی آنها، امری است که رسیدگی به آن ضرورت حیاتی دارد.

مصادره شرکت ملایری به سود زحمتکشان است

اتمام کارهای محوله، فروش ماشین آلات دریافت طلب خود از وزارت راه و دیگر سازمان های دولتی واخذ تضمین های حسن انجام کار از دولت، بطوریکه شرکت ملایری بعنوان خدمتگزار معرفی شود واحیانا تحت پیگرد قرار نگیرد و اموال شرکت نیز مصادره نشود.

چندی پیش از جانب وزارت راه کار ساختن جاده ساوه - قم به شرکت پیشنهاد شد، ولی شرکت این کار را نپذیرفت، با اینکه ماشین آلات کافی برای انجام این کار در اختیار دارد. اخیراً مسئولین شرکت تصمیم به تعطیل کانتینر (غذاخوری) کارگاه گرفتند. در این کانتینر کارگران می- توانند با پرداخت پنجاه ریال ناهار یا شام بخورند. با تعطیل شدن کانتینر کارگران قادر نیستند با پرداخت این مبلغ برای خود غذای گرم تهیه کنند. کارگران نسبت به تصمیم کارفرمای شرکت شدیداً متضررند.

با تعطیل شرکت ملایری و بیکار شدن بیکهزار نفر (که با عائله خود حدود پنجاه نفر خواهند شد) این عده با فقر و گرسنگی روبرو خواهند شد. مسئولان وزارت راه و سازمان های مربوطه باید تأدیر نشده، شرکت ملایری را مصادره کنند و اداره امور آنرا خود بدست گیرند، تا علاوه بر مقابله با بیکاری کارگران، از این شرکت هر چه بهتر برای کارهای عمرانی استفاده شود.

شرکت ملایری (ساختمانی) کار توپان قم- تهران وجاده کمربندی قم را به عهده دارد. این شرکت مدت ها است که کار جدیدی به عهده مگر قفلاست و با اینکه از امکانات زیادی برخوردار است، علاوه بر فعالیت خود کاستماست. شرکت ملایری مصمم است که پس از خاتمه کارهای در دست اجرا، شرکت را برای همیشه تعطیل کند. در پی این اقدام از مدتی پیش اقدام به خارج کردن چند دستگاه ماشین آلات کارخانه - بعنوان خواب بودن - کرده اند، تا بتدریج آنها را به فروش برسانند.

شرکت ملایری قصد دارند کستما اموال آن را به فروش برسانند و با تبدیل پول آن به دلار، این پول را به اشکال مختلفی به خارج از کشور انتقال دهند. هم اکنون یکی از شرکا، در آمریکا بسر می- برد، و خانواده های شرکا هم مدت ها است که از ایران خارج شده اند. تاکنون تعداد یکصد نفر از کارگران به عنوان «اتمام کار» اخراج شده اند و در آینده همه یک هزار کارگر شرکت تعداد دیگری خواهند شد.

شرکت ملایری، علاوه بر کارگاه نامبرده، در شهرهای جیرفت و تبریز کارگاههای دیگری هم دارد. در تبریز به علت سردی هوا کارگاه تعطیل شده است. و در جیرفت مدتی است که حقوق ماهیانه کارگران را نپرداخته اند. تاگفته نماند که کاتبه کارکنان شرکت در تبریز تسویه حساب شده است. هدف شرکت عبارتست از:

به مشکلات کارخانه «اف ام» رسیدگی کنید

اخراج شوند. همچنین کارگران کارخانه نیز مشکلاتی دارند که از آن جمله نداشتن تعاونی مصرف بمعنای واقعی آن است. کشور ما بعد از محاصره اقتصادی امپریالیستها در خصوص صنایع داخلی، به علت کمبود مواد اولیه، دچار نابسامانی شده است. برای حل این مشکل اقدام های کمی توان انجام داد، از جمله عبارتند از:

- ۱- تقویت امکانات داخلی در جهت رفع نیازهای موجود و بهبود برداری وسیع از این امکانات،
- ۲- تهیه مواد اولیه از کشورهای دوست و پشتیبانان انقلاب ایران.

از سوی دیگر کارگران در مورد شرکت تعاونی دارای مشکلاتی هستند که با اقدام های بجا و اصولی می توان آنها را رفع و دست توطئه مگر ضدانقلاب را قطع کرد.

کارخانه تاسیسات و تولیدی «اف ام» به علت کمبود مواد اولیه دچار رکود و کاهش تولید شده است. مشکلات این کارخانه را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- ۱- این کارخانه بیخجال هاوسرود - خانه های متحرک و ثابت بزرگ برای فعالیت های تجاری تولید می کند، و در حال حاضر با مشکل کمبود مواد اولیه مواجه است. در این جادستگاه های اتوماتیک نسبتاً مدرن، قسمت های مختلف تهیه عایق، عایق سازی چسبلا، ساختن دیوارهای عایق شده چند طبقه و غیره نیز وجود دارد.
- ۲- در حال حاضر تولید کارخانه، تا پنجاه درصد تولید اصلی کاهش یافته و به علت سهل انگاری مسئولان کارخانه در امر تهیه مواد اولیه، این خطر بوجود آمده است که کارخانه دچار رکود بیشتری شود و احتمالاً کارگران دیگری نیز از کار

راه آهن دولتی ایران به «نامه مردم» پاسخ میدهد

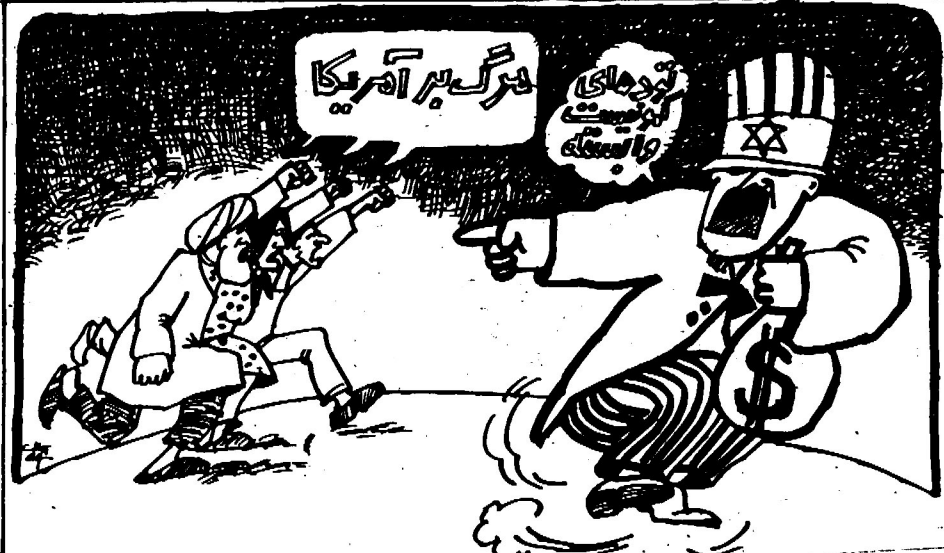
قبل از دیماه تهیه و در بهمن ماه به چاپ رسیده است. در مورد پاکسازی متذکر میگرد که این امر در راه آهن از ابتدایانست و بدون آنکه حتی از کسی تسبیق شود، ادامه داشته و برخلاف ادعای آن روزنامه، در راه آهن دیگر جانی برای طاقوتیان قمانده است.

نامه مردم - ما جز آنکه خواست زحمتکشان را مطرح کنیم نظر دیگری نداریم و خوشحالیم که راه آهن دولتی ایران به این مسائل توجه کرده است.

دقت: اطلاعات، انتشارات و روابط عمومی راه آهن دولتی ایران در نامه ای شماره ۴۸۹۳/۲۸ مورخ ۱۷/۱۲/۵۹ به مطلب مندرج در نامه مردم در شماره ۴۵۲، بروج ۱۲/۵۹ زیر عنوان «خواست قانونی کارگران راه آهن جلغا را تأمین کنید»، پاسخ داده که در زیر عیناً درج میشود:

«بر اساس گزارش مدیر کل ناحیه راه آهن آذربایجان حداقل ۲ ماه قبل از این تاریخ حدوداً در بی ماه گذشته یوتین و کفش ایمنی به کارگران تحویل شده است. شاید گزارش آن روزنامه

طبقه کارگرایان، در افزایش تولید، تویم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!



را انجام دهند و هر آن ممکن است حادثهای برای آنها رخ دهد. متذکر دیگر راننده ها جاده جدید زاهدان - کرمان است که در قسمت هایی، به علت نتمام ماندن بعضی های کوچک، ماها است بلااستفاده مانده است. جا دارد که این اداره را با اقدام به ساختن جاد میکند و خارج آن را به حساب بیمه کار بگذارد. همچنین کارگران این مرکز به علت کمی تعداد کارکنان، مجبور به انجام ماوریت های بیبایی هستند و در جاده های خطرناک دائماً با خطر روبرو هستند. با افزایش پرسنل این اداره، باید سلامتی کارگران را حفظ کرد، زیرا ممکن است به علت خستگی شدید در رفت و آمد مکرر بین این راهها، با اندک غفلت و یادراثر یک واقعه جزیی، به حادثهای دلخراش و مصیبت بار دچار شوند.

بارفع نقائص موجود در قسمت راه و ترابری زاهدان، جان کارگران را حفظ کنید

ها در مواقع ضروری و در زمان بارندگی - های شدید، که باعث ایجاد سیل و خرابی راههای می شود، نمی توان اقدام های لازم

ماشین های قسمت تخلیه اداره راه و ترابری زاهدان، به علت کارمکرر و عدم سرویس منظم و نمودن قطعات یدکی، دچار اشکالات فنی شده اند. این نقائص باعث مختل شدن انجام وظایف این قسمت شده اند.

قسمت تخلیه اداره راه و ترابری زاهدان، با حدود دوهزار کارگر، اعم از راننده ها و کمک راننده ها (کمپرسی) کفکش - لودر - کرایدر - وانست) و مکانیک و تعمیرکار به انجام خدمات فنی شهری مشغول است.

در حال حاضر اغلب ماشین های این مرکز، به علت بکارگیری مکرر و عدم سرویس منظم، دچار اشکالات فنی شده اند. نقائص کامیون ها علاوه بر مختل شدن کار قسمت، جان کارگران را نیز به خطر می اندازد. از جمله آنکه، راننده

بیان کار هیئت واگذاری زمین استان هرمزگان

بخش تبلیغات هیئت واگذاری زمین استان هرمزگان، طی اعلامیه‌ای بیان کار این هیئت در استان هرمزگان را اعلام داشت. در این اعلامیه آمده است:

- ۱- تاکنون تعداد ۲۱ روستا در منطقه رودان و حاجی آباد، میناب و بخش مین بررسی شده است.
- ۲- در مورد شورای گشت، که هیئت واگذاری زمین نقش فعالی داشته است، توانسته به میزان ۱۳۰۰ هکتار (اعم از زمین‌های موات، زمین‌های مالکین بزرگی که قصد کشت‌راندن داشته اند) به شکل قرارداد کوتاه مدت به زیرکشت برسد. بخش کشاورزی جهاد سازندگی حاجی آباد و بندر عباس و اداره کشاورزی و بانک کشاورزی نیز همکاری لازم نمودند.
- ۳- مقدار ۲۴۵ هکتار زمین در بخش رودان، با کلیه امکانات، بطور دائم به روستائیان محل واگذار شده است.
- ۴- مقدار ۹۳۴ هکتار زمین ملی

واقع در روستای دشت آشکارا، از توابع بخش حاجی آباد به ۱۱۰ خانوار بی‌زمین و ۳۴ خانوار کم زمین واگذار شده است.

۵- مقدار ۷۹۴ هکتار به ۱۱۸ نفر در ۱۵ گروه واگذار گردیده است، که معرفی و امکانات آن از طریق مرکز گسترش خدمات تولیدی صورت گرفته است.

۶- مقدار ۱۱۹ هکتار به ۸ گروه (از گروه‌های ۲ تا ۸ نفری) در منطقه رضوان واگذار گردیده است.

علاوه بر این اقدامات شخصی هیئت ۷ نفری در استان هرمزگان نگرش و تحلیل هیئت از وضع کنونی و از وظایف خویش حائز اهمیت فراوانی است، که در مقدمه اعلامیه بخش تبلیغات این هیئت ذکر گردیده است. هیئت کار خود را خدمت می‌داند "در راه بزرگ تحول عظیم در کشور" کشاورزی و از بین رفتن بهره‌کشی بانه نوسازان انقلاب و تحکیم و تداوم جمهوری اسلامی ایران.

با چنین برداشتی، مسلم است که هیئت خواهد توانست وظیفه خود را در جهت نافع زمینکشان روستاها و مصالح انقلاب، به خوبی انجام دهد و بر موانع و مشکلات چیره شود. در اعلامیه مزبور از توقف بند "ج" یاد شده و تأکید میگردد که: "اگر چه دل خسته و رنجور از وقایع"، وظایف هیئت انجام خواهد گرفت. تا "از همه مراحل و تمامی کورف راهها و همه سدهایش درگیریم". بزرگ مالکان، عوامل ضدانقلاب، روحانی‌نمایان، خوانین مسلح و سایرین که در همه جا موانع و سدها ایجاد کردند، تا هیئت های هفت نفری را منحل یا دلسرد کنند و کار آنها را متوقف سازند. ولی نهادهای انقلابی هیئت واگذاری به این باورها نلرزید و با یاری سایر نهادهای انقلابی، "برای به ثمر رساندن انقلاب" به واگذاری زمین به نهیستان روستاها و الفسای بزرگ مالکی مصصانه ایستاد است.

ما از کار هیئت هفت نفری راضی هستیم



محمد مهدی نعمت‌اللهی درباره روستای "دزدکرد" منطقه کربال فارس میگوید: "این ده هزار نفر جمعیت دارد که با وجود جمعیت زیاد بدکتر و بهداشت نداریم. ساختمان مدرسه خراب شده است و از همه مهمتر جاده روستا غیر قابل استفاده است. پدر راه روستای رودخانه است که جهاد تلاش میکند روی آن پل بزند. همین هفته گذشته یک زن میخواست وضع حمل کند بجاده بسته بود و ماشین نمیتوانست عبور کند. سعی کردیم با تراکتور از رودخانه عبور کنیم. تراکتور در گل گیر کرد و زن حامله مرد." محمد درباره "خواست اصلی‌شان از دولت میگوید: "خانواده ما دارای ۴ هکتار زمین است. دولت جمهوری اسلامی ایران باید زمین در اختیارمان بگذارد و وام و وسایل کشاورزی بماند." وی درباره کار هیئت هفت نفری میگوید: "ما از کار هیئت های هفت نفری راضی هستیم. آنها در ده چرخس که بزرگ مالک آن دارای ۱۰۰۰ هکتار زمین بود تمام زمینها را به اهالی واگذار کردند." او در آخر میگوید: "البته مشکلات و فشارهای آمریکا و حمله صدامت بحال نگذاشته به وضع ما رسیدگی کنند و ما تا بحال همه گونه به جبهه کمک کرده ایم."

بر آوردی از کارهای انجام شده هیئت واگذاری زمین در استان فارس

روستائیان پاسخ داد. سوالات بسیاری در مورد کشت صیفی، در مورد آب، تراکتور، لایروبی قنوات و بیل مکانیکی، سیمان، روغن، جاده، بهداشت، کوبن، برق، حمام و مسئله به رسمیت شناختن شوراها از طرف دهقانان مطرح شد. سپس مهندس عسگری گفت: "بخاطر وضعیت سیاسی و جنگ باید سطح توقعات پائین بیاید. وی به مشکلات موجود در شرایط جنگی اشاره کرده و گفت: "سعی کرده ایم در سطح این استان با کمبود کود مواجه نشویم. آقای عسگری در مورد کمبود بیل مکانیکی گفت: "یکسری از اینها برای جبهه فرستاده شده که الآن خیلی لازم است، ولی بعد از جنگ این مسائل حل خواهند شد."

در مورد لایروبی قنوات او اضافه کرد: "جهت سازندگی در این زمینه مقداری کار کرده... یکی از برنامه‌های رژیم گذشته خشک کردن قنوات از طریق حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق بوده است، ولی برنامه این دولت این

یکی از اعضای هیئت واگذاری زمین، بر آوردی از کارهای انجام شده از اوایل خرداد ۵۸ تا دی ماه سال جاری را طی سمینار شوراها، اسلامی روستاها، توابع شیراز، که خبر تشکیل آن قبلا در نامه "مردم" چاپ شده است، بیان کرد.

خلاصه‌ای از آن چنین است: "تشکیل ۲۳ ستاد تحقیق در بخش‌های مختلف استان، تحقیق در مورد ۲۵۰۰ روستا و تشکیل ۲۹۸۳ شورا، واگذاری ۴۲۰۰۰ هکتار اراضی موات به دهقانان، واگذاری ۱۷۰۰۰ هکتار اراضی موات برای طرح‌های صنعتی، واگذاری ۱۵۳۰۰ هکتار زمین موات برای طرح‌های دامداری، واگذاری ۲۰۰۰ هکتار اراضی موات به بدبیلیم-های بیگار، در اختیار قراردادن ۴۰۰ تراکتور، اجاره دادن بیش از ۱۱۰۰۰ هکتار اراضی دیم، صدور ۱۵۰۰ سند واگذاری زمین و تصویب ۵۰۰۰ میلیون ریال وام، رسیدگی به بیش از ۴۰۰۰ شکایت در مورد زمین... در این سمینار آقای مهندس عسگری (از اعضای هیئت واگذاری زمین استان فارس) به سوالات نمایندگان،

هیئت هفت نفری استان گیلان!

در اراضی بزرگ مالک فرزای روستای «علی برزایه» را به دهقانان سپردند و واگذار کنید

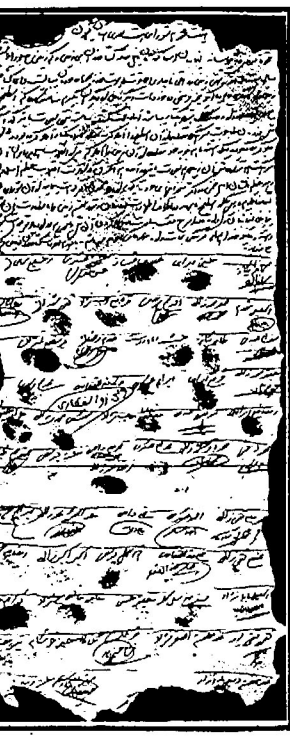
کشاورزان بی‌زمین و کم‌زمین روستای علی برزایه پشت نشاء گیلان، طی نامه‌ای به هیئت هفت نفری واگذاری زمین در استان گیلان، درخواست رسیدگی به وضع اراضی بزرگ مالک فرزای روستا را کرده‌اند. آنست اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی را هم موجب ازیساد تولیدات کشاورزی و هم باعث رهایی خانواده‌شان از گرسنگی دانسته‌اند. در نامه کشاورزان خطاب به هیئت هفت نفری آمده است: "محترماً، بعضی اهالی می‌رساند، اینجانبان املاکندگان ذیل ورقه کشاورزان بی‌زمین و کم زمین علی برزایه پشت سال هاست از اثر نداشتن زمین زراعی ناچار برای قوت لایموت خود وجه‌های خودمان می‌بایست برای کشاورزان زمیندار کارگری نمائیم، و یا اینکه به چند فرسخی ده خود در دهات دیگر زمین از دیگران بگیریم مناصف کاری کنیم، استخری در علی برزایه وجود دارد، حدود هشتاد هکتار می‌باشد. تا ده جهت کشت می‌باشد منتهی به صورت بایر گذاشته شده. در زمان طاغوت سرهنگی مقداری از آن را آباد کرده به مقدار رسیده هکتار و ولی از ما جلوگیری می‌کردند. نمی‌گذاشتند ما هم بنوبه خود مقدار از آن زمین را آباد کنیم. بین از انقلاب اسلامی ایران آن سرهنگ هم متواری شد. آن زمین هم به صورت بایر در آمده. هم اکنون که از سرک انقلاب عظیم اسلامی ایران رهبر عظیم‌الشان امام خمینی در اکثر سفرهای خود تأکید بر آزادیا محصول و تولیدات می‌نمایند از آن شوری محترم تقاضا داریم با رسیدگی اینجانبان دستور تقسیم زمین، با نظارت آن شورا، فیما بین

روستائیان «بوراسرای تالش» خواهان ورود هیئت هفت نفری و اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی هستند

کندیده‌اند موفق شده‌اند توسط ایادی خود مانع اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی به نفع کشاورزان محروم روستاها بشوند در ضرر به زمینداران گرانقدرمان جورتر شده‌اند. ما اجرای قانون اصلاحات ارضی را منفع انقلاب و زمینکشان و محرومان روستاها دانسته و آن را گامی در جهت تقویت انقلاب و خشنی کردن توطئه محاصره اقتصادی می‌دانیم و همه تبلیغات مالکین بزرگ و فئودال‌ها در جهت مخالفت با اجرای قانون به نفع شیطان بزرگ آمریکا جنایتکار است. ما میخواهیم که هیئت هفت نفره به روستاها و از جمله روستای مانیز بیاچند تا زمین‌های را که متعلق به است و بایر افتاده به صاحبان املاکشان بدهند تا در این شرایط حساس در جهت تقویت پشت جبهه بکاریم. با تقدیم شایسته‌ترین احترامات پیروز باد انقلاب اسلامی ما به رهبری امام خمینی مرگ بر شیطان بزرگ و ایادیش فئودالها و مالکین بزرگ این نامه به امضاء و اثر انگشت حدود ۳۷ نفر از دهقانان رسیده است. در ضمن مردم بوراسرا با مشکل آب نیز روبرو هستند، بطوریکه هم‌ساله کمبود آب موجب وارد آمدن خساراتی به دهقانان زمینکشان این روستا می‌شود. جامعه مری روستا تمام مانده است و احتیاج به تعمیر و تکمیل دارد. در روستا حمام و مدرسه نیز وجود ندارد.

دهقانان زمینکشان روستای بوراسرای خطبه‌سرای تالش گیلان، در نامه‌ای که به دفتر نخست وزیر ارسال داشته‌اند، ضمن پشتیبانی از امام خمینی و روحانیت مبارز، خواهان اجرای قانون اصلاحات ارضی و از جمله بند "ج" قانون شده‌اند. آنان اجرای قانون را گامی در جهت تقویت انقلاب و خشنی کردن توطئه محاصره اقتصادی دانسته‌اند. زمین‌های آنان بزرگ توسط طاغوتیان سرشناس تصاحب عدوانی شده‌اند. و باید حتی قبل از اجرای بند "ج" به دهقانان باز پس داد شود.

روستائیان در نامه خود نوشته‌اند: "اینجانبان مهرواضا کنندگان زیر از کشاورزان رنج دیده بوراسرای خطبه‌سرای تالش (گیلان) زمین اعلام پشتیبانی خود از روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی و اقدامات دولت انقلابی به نفع محرومین و مستضعفین بدینوسیله فریاد سپردیم خود را به شما رسانیم. حدود ۱۰ سال پیش، افرادی که با رژیم طاغوتی منحوس پهلوی ارتباط داشتند و جرم خود را با اصلاحات ارضی می‌پوشانیدند، می‌دانست بودند، با اسم ولییان و تاهپور غلامرضا فرزای شروع به خریداری زمین‌های کشاورزان در منطقه



سال دشواری‌ها و کامیابی‌ها

یکسال دیگر، پر از دشواری‌ها و کامیابی‌ها، سرشار از نبرد و کوشش‌ها، برپسین انقلابی ما گذشت. در تاریخ پر تلاطم ایران، سال ۱۳۵۹، پشیمان ساله که بزرگترین انقلاب این تاریخ رودر روی توطئه‌های گوناگون ضدانقلاب ایستاد و علیه رژیم آبه‌فاسیسمی توانست استقامت کند و در راه تعقیب کام برداره تیت خواهد شد. دشواری‌ها را امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ایجاد آن ایجاد کردند. کامیابی‌ها را مردم قهرمان و امیدوار ایران بدینسان نبرده‌ای سخت و پست استقامت، دشواری‌ها، مشکلات و پستی افتاده و عادی پس از انقلاب نبردند. از بی‌برنامگی و شکست‌نظری، یا قری‌گری و انحصارطلبی‌ها که بگذردیم، در اصل، هر سال دشواری‌ها ناشی از توطئه‌های سازمان‌یافته چپ‌ترین نیروی ضد مردمی جهان - امپریالیسم آمریکا بود. مردم ما به‌رکت هنیاری فراوان خود و حضور دائمی در سنگر نبرد و دلیل رهبری مدبرانه امام خمینی، در تداوم خصلت عهده انقلاب ما، توانستند بر دشواری‌های این یکسال چیره شوند. ولی تنها بعد از مدت‌ها معلوم خواهد شد که چهل‌قوت‌های جانفروستی را مردم از سر گذرانده‌اند و یا چه مخاطرات نابودکننده دست و پنجه نرم کرده‌اند. اهمیت و عظمت تاریخی یافش‌نرده‌های مردم ما در برابر توطئه‌های دشمن، هنوز آنطور که باید و شاید، درک نمی‌شود.

آمریکای جهان‌خوار که از ضربت گنج کشنده انقلاب ما دیوانه شده است، این سال ۵۹ را به سال توطئه‌های پستی، به‌هم‌پاشی و مناسبت‌های مختلف و بدون هیچ بهانه و مناسبتی، علیه انقلاب ما، منظور براندازی جمهوری اسلامی ایران بدل کرد. تمام کوشش امپریالیستی متوجه آن بود که امتیازات بشمار اقتصادی و نظامی و سیاسی و استراتژیک خود را، که با سرنگونی نظم ستشاهی از دست داده، باز پست آورد. آمریکا هیچگونه سازش و تقاضی یا انقلاب ما را با خط آن، که ناقص مرگ منافق و امتیازات امپریالیستی را بر سر می‌آورد، ندارد و توتوتی‌اندیشه‌ها باشد. امپریالیست‌ها با انقلاب ما آشکارا در شکت پشیمانند. یا از درون سخ کنده، و در هر حال آفری نابود کند. آمریکا می‌خواهد با دولتی قوی و مقتدر راه کمی پنجه آهین حافظ منافع امپریالیسم باشد، بر سر کار آورد و یا دولتی میانه‌رو و متدل را، که معقولانه باشد و به این منافع آرمندانه گردن نهده حکمران سازد و در هر حال دولت انقلابی، طرفدار استقلال واقعی و آزادی خلق، طرفدار توده محروم و استثمارشونده را ازین ببرد.

سال که دارد تمام میشود لاقابل سال چهار توطئه عظیم هم‌جانبه سازمان‌یافته و توطئه‌های بیشمار محلی و موزی بود. از اینکه توطئه‌های کوچک در آن دیده و دست و پا زخم و تفرقه‌تفرشی که بگذردیم، فصلی در سال ۵۹ نبوده است که در آن ما با یک توطئه براندازی تمام‌عیار دورو رنده باشیم. در دیگر لشکرکتی به طیب بود که همه حالا دیگر میدانند که ایجاد و مانع آن بی‌چون و به میانه آزادی دگرگونی، محدود نمیشد و اهدافی پس خفتاگر، در مقیاس سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران داشته است. تابستان فصل توطئه کودتای نظامی بود که نطفه آنرا در توزه همدان بستند و میخواستند به قیمت آدم‌کشایی بی‌حساب و جاری کردن خون انقلاب را در زیر پنب و آتش خفه کنند. پاییز، با تجاوز نظامی داروسته صدام، که یک نقشه براندازی آمریکایی را اجرا میکرد، آغاز شد و تمام آمریکا با اجرا یک جنگ تحلیلی، که تلفات جانکداز و خسارات و خرابی‌های فراوان ببار آورد و مسی آورد گذرانیدیم. یا این تجاوز نظامی از خارج می‌خواستند که طرف مدت کمی - شاید دو سه هفته - نظام انقلابی را نابود کنند. ولی نیت‌دانش که ریشه‌های استحکام نظام انقلابی از کجا آب می‌خورد و تا چه اندازه در جان و توان ملیونیا ایرانی زحمتکش نمر رفته است. زمستان، در حالیکه توطئه ششم - تجاوز نظامی از خارج ادامه داشت،

سالی دیگر بر انقلاب گذشت

جبهه انقلاب برای دفاع از انقلاب تقویت شد

ما شاهد تدارک و انجام توطئه هتیمی‌شدیم، که زوایای متعدد دارد، در نقاط مختلف کشور دارد پیاده‌میشود، در سطوح مختلف اجرا میشود و مدارک و مراحل متعدد دارد. برای تدارک انجام هر یک از این توطئه‌های چهارگانه بزرگ براندازی، دهها توطئه و وسعنه‌سازی و دستخ‌آفرینی‌های سازمانی و اشکال‌تراشی و ناراضی‌سازی و غیره می‌گیرد. انجام میشود، که همه یا آنها آشنا هستیم.

مردم ما با مبارزه و هشیاری و آگاهی خود بر این توطئه‌های عظیم براندازی در این یکسال، فائق آمدند و در برابر هر یک از آنها، که می‌توانست خطر حیاتی برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد، و انقلاب را نابود کند، استقامت کردند. دشواری‌ها را ابتدا کم و کوچک نبوده‌اند، به‌جانب مقیاس نیز، پیروزی‌های ما - با همه تقابلی و کمبودهای موجود - برای درهم‌شکستن توطئه‌ها و تقویت بر دشواری‌ها، بزرگ ویر اهمیت هستند.

جبهه اهریمنی برای براندازی انقلاب فعال شد

برای ایجاد این توطئه‌ها و ازین بردن انقلاب ما، که توازن قوا را در منطقه بسود نیروهای ضدامپریالیستی بکلی برهم زد و نقشه‌های امپریالیسم آمریکا را نقش بر آب کرد، جبهه‌ای عظیم از نیروهای سیاه براندازی تشکیل شد. گشت این یکسال مردم ایران، طی تجربه‌ای سبکین، عناصر این جبهه‌ها، که زیر فرماندهی و الهام آمریکا عمل میکنند، نشان داد.

در این جبهه اهریمنی، ضدانقلاب سازمان‌یافته، سرمایه‌داران بزرگ - زمین‌داران عمده، طاقوتیان و وابستگان به رژیم سرنگون شده پهلوی، سوارکابان و بقایای شبکه فعال و خطرناک آنها شرکت میکنند. لیبرال‌ها، از یکسو، بمتوان جامعه‌سازکن امپریالیسم و سخ کنده انقلاب، و مائوئیست‌ها، از سوی دیگر، به‌منافق انکارهای ضریضی آمریکا و منحرف‌کننده انقلاب مردم، چنانچین این جبهه را پاسداری می‌کنند. در صاهای توطئه‌گرانه‌ای که عناصر متشکله این جبهه و چنانچین آن میکشترانند، رگه نیروها و سازمانها و شخصیت‌هایی یافتند که قلعه‌تای تفریبات چانی در کنار اهریمن داشته باشند.

تجربه یکساله نشان داد که کلان - سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، با سوء - استفاده از اعراض‌ها، مناسبات و سهل‌انگاری‌هایی که شده، پال و پر گرفتند و فعالان و گستاخانه علیه انقلاب ما وارد عمل شدند. سرمایه‌داران کلان، که همیشه صل بازار و گرانی را در دست‌های نایاب خود دارند، از راه تفرقه‌تفرشی و خویشتن را اصل کردند. تاجر بزرگ وابسته، واسطه‌ها و میدان‌داران عمده، که بحران و تورم و بی‌کاری و کمبود می‌آفرینند، پنجره - سابقه و حیرت‌انگیزی‌های خود شدند. بزرگ - مالکان از تویق موقتی بند هج و بند ده برای سرکوب دهقانان و خونریزی‌های ویرش علیه دهقانان زحمتکش و علیه نهادهای انقلابی و نفی اساس اصلاحات ارضی استفاده کردند.

قتل شوم این پایگاه‌های درونی امپریالیسم، که محمل بسیاری از توطئه‌ها و دستخ‌آفرینی‌ها و دگرگیری‌ها و خرابی‌کاری‌ها هستند، طی این یکسال، که گذشت بیش از پیش آشکار شد.

در برابر این جبهه براندازی، اینک، در آستانه سال نو، مردم ما بسیار آگاهتر و مقاومتر از آغاز سال جاری هستند. بسیار دست‌پا که در کوره آزمایشی طی این یکسال، رو شد و بسیار تقابلی، که دریده شدند.

در نبرد یکساله با توطئه‌های بیایی آمریکا و با این جبهه براندازی است که انقلاب ما رشد میکند و استحکام می‌یابد و ژرفی و مردمی‌تر میشود. ما طی این یک

نجات داد، تنها کارگران و دهقانان و پیشروان و کسبه زحمتکش و کارمندان عالی و مین دوست و روشنفکران آگاه و انقلابی هستند که با دل و جان و واقعا تا پای جان - هماغطور که جبهه‌های غرب و جنوب غربی نشان میدهند - در دفاع از انقلاب می‌ایستند.

تجربه یکساله آنکه گذشت ثابت می‌کند که اتخاذ تدابیر قاطع و انقلابی در جهت سرکوب ضدانقلاب سازمان یافته، ریشه کن کردن شبکه ساواک‌ها، دولتی - کردن پایزگانی خارجی، ایجاد شبکه توزیع و فروش دولتی و تعاونی اجرائی و فوری و ریشه‌ای قانون و آکادری زمین و برچیدن بساط بزرگ مالکی، استفاده از همه نیروهای صدیق انقلابی برای بازسازی هم‌جانبه کشور - فارغ از تنگ‌نظری‌ها و انحصارطلبی‌ها - تا چه اندازه حیاتی است. این تدابیر عملی است که می‌تواند هرگونه دستاویزی را از عناصر لیبرال سازشکار و از عوامل چپ‌نمای آمریکایی بگیرد و مانع از رشد بنز موسمی شود که آنها در گلستان انقلاب ایران می‌باشند.

اگر از این تجربه، که به پهای کسی پست نیامده، پندآموزی کنیم، سال ۱۳۶۰ پسال دردم‌گویی جبهه براندازی و تقویت نیروهای انقلاب بدل خواهد شد.

در کوره سخت و سنگین رویداد - های یکساله گذشته، توده مردم، مسلمانان راستین و خط امام خمینی یمن طرفداران اسلام محمد و علی، نه اسلحه ماورای و آمریکا، و نیروهای مرفی راستین، یعنی طرفداران واقعی سوسیالیسم علمی یمتایه جبهه‌ای برای پایداری و برای پیشبرد انقلاب، سیاسی خویش را نشان دادند. هنگامیکه خصلت این جبهه و عناصر مرکه آن، جهان روشنی و وضوح که اینک دیگر جبهه‌براندازی و عناصر متشکله آن روشن شده، برای هنگام روشن شده، میتوان گفت که انقلاب ما به یک دستاورد عظیم و سرورست‌ساز ناقل آمده است. باید امیدوار بود که تجربه سال ۵۹ و تیزاب آینده، بر پایه صداقت انقلابی و شهادت مندی، که در هر فرد شمد و مشول انقلابی باید سراغ کرده ما را به این دستاورد نیز برسانند.

روزنو، سرنوشت‌نو

اینک در آستانه سال ۱۳۶۰ هستیم. مریوع تا دهه تازه‌ایرا آغاز کنیم. انقلاب ما میتواند سالهای شمت را به تعلقطف بیامانند در تاریخ کشور کهنسال ما بدل کند و نه فقط نوزده قومی - این سنت زیبای مردم ایران را شاد و دلپذیر سازد، بلکه روز نو، سرورست نو و زندگی نو را برای همه مردم محروم و رنج‌دیده ایران، همه مردم شایسته یک زندگی انسانی، سربلند و پرفضیلت به ارمغان آورد.

ولی این کار آسانی نیست. باز هم ما دشواری‌های فراوان در پیش خواهیم داشت، زیرا دشمن زخم‌خورده، هرگز دست‌بردار نیست. آمریکا ایران را می‌خواهد و ما نمی‌خواهیم ایران را باو بدهیم. و ما اگر هشیار و آگاه و متحد باشیم، میتوانیم او را بزاتو درآوریم و او هیچ غلطی نمیتواند بکند. آمریکا یاز هوپ‌تو‌ها خواهد آفرید. یازم جبهه براندازی او، جراحات بسیار، یازم بیکر انقلاب ما وارد خواهد کرد، عاا او، وابستگان او، گروهکهای ساخته و آدکمایی پرداخته او، یازم با ما خواهند ناخت. ولی ما میتوانیم، به برکت هشیاری و اتحاد، روئین‌تر شویم و مانع آن کردیم که دشمن قصد جان ما کند. اگر به این حقیقت روشن و زیبای آن‌ترانه دل‌تکین یازم کنیم که:

دشوار زندگی هرگی برای ما بزرگ مشترک آسان نمیشود

بهار امسال

بهار می‌آید و چلچله‌های آرزو از دیارهای آفتابی یازمی‌گردند

بهار می‌آید و شکوفه‌های گیلان بر خاک شپیدان بوسه می‌زنند

بهار می‌آید و زندگی در سیلاب‌های بهاری طغیان می‌کند

بهار می‌آید و عطر زندگی در آوندهای نیلوفر یازمیشود

بهار می‌آید و دشمن بر سراسر این خاک پلر مرگت می‌پاشد

بهار می‌آید و ما هنوز هستیم پشت چپرا نرتاب کسبوان آنبوه گندم‌زار در کارخانه در یاغ‌های آلبالو در مزادع در ترانه دختران قالیباف در شالیزار در یاغ‌های نارنج در زانغاها در فلات مغرور در ایران!

ما هستیم و پلر عشق می‌باشیم ما هستیم و سرود فتح می‌خوانیم

بهار می‌آید و ما یا چلچله‌ها می‌خوانیم - سرگشته‌ی آمریکا!

بهار می‌آید و با دست‌های پینه دستگرهای استثمار یورش می‌بریم و زمین زیرپای سرمایه می‌لرزد

بهار می‌آید و سرود رهائی طفیان می‌کند

بهار می‌آید و عشق سراسر زمین را فتح می‌کند

بهار می‌آید و ما سال فتح را بشارت می‌دهیم.

دشوار زندگی هرگی برای ما بزرگ مشترک آسان نمیشود

دشوار زندگی هرگی برای ما بزرگ مشترک آسان نمیشود

دشوار زندگی هرگی برای ما بزرگ مشترک آسان نمیشود

دشوار زندگی هرگی برای ما بزرگ مشترک آسان نمیشود

اگر بی‌ظلم ییروزی در این رزم، دوستان و دشمنان را بدرستی بشناسیم، اگر همه نیروی خود را در جهت سرکوب توطئه‌های دشمن و تحکیم انقلاب یکپارچه‌ی بر دشواری‌های سال ۶۰ و سالهای ۶۰ نیز ییروز خواهیم شد. بقول آن سرود الهام‌بخش:

ما مرد جنگیم

و ایتر مردم ما نشان دادماند که در صعب‌ترین هاوردیها نیز پای سست نمی‌کنند. اگر اقی روشن در برابرمان باشد و از ثمرات انقلاب بهره‌مند باشیم در این شش ماه جنگ، مردم ما فنا کارایی حساسه آفرین کردند. دهقانان بر چکر فترتند و تشخیص دادند که می‌توان و یابند سرورستیا را تحمل کرد، می‌توان و باید مستخسبا کشید، تا به آنچه کرده است دست‌یافتن تجاوز را سرکوب کرد. از چنین انقلابی دفاع نمود، توطئه براندازی را خیش کرد، محاصره اقتصادی را سترون ساخت، جنگ روانی و شایعه‌افکنی را عقیم گذاشت.

برای این مردم آگاه، که عزیزترین عزیزان خود را هم تقدیم انقلاب کرده‌اند، باید آینده روشنی را فرآوری نهاد. باید برنامه مشخص و درست برای تامین همه جانبه استقلال و حفظ آزادی‌های اساسی، برای رشد شورآکنیز و بسج کشنده اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی کشور، برای سازندگی سرپای جامعه‌ای درخور انقلابی به شکوفندی انقلاب یمن تدوین نمود و اجرا کرد. برای اینکه واقعا فاز ریشورویو نه نبال تازه روئیده را نگه‌دارد و راه به‌نم نشاند، باید همه استعدادهای راه همانند شکوفه‌های بهاری، شکوفاند و همه نیروها را، همانند درختان یک جنگل سرسبز، متحد و یگانه کرد. بدین خاطر، باید یا تمام وجود نگران سرورست سلامت انقلاب بود و از انحصارطلبی و قری‌گری اجتراز کرد. هماغطور که به خطر موریانه انقلاب واقف شدیم و با تیزی و بی‌خوابی اجازه دهیم که این موریانه نبال تازه روئیده را از درون بیخورد و نابود کند. نباید امکان دهیم که توتوتی‌های سرورست‌اندیشه‌های اتحاد همه نیروها، مانع یروز همه استعدادهای اتحاد تجعب همه مردم و برآور اراده مشترک زحمتکشان شود و مانند بختکی بر روی شکوفه‌ها و جوانه‌ها بیفتد و آنچه را که با اینهمه دشواری پست آمده، خفه کند.

تجربت همه نیروها، آگاه ساختن مردم، هشیار بودن و کوشش برای اتحاد در رزم مشترک علیه دشمن اصلی - شیطان بزرگ آمریکا - اینست آن هجی که باید بدان دست یابیم، که در سال ۶۰ نیز هر توطئه‌ایرا، در هر فصلی و بی‌برهانه‌ای صورت گیرد، درهم شکسیم.

برای آنکه جبهه ما مستحکم و شکست‌ناپذیر باشد، سال نو را باید پسال سازندگی انقلابی، بسود استقلال کشور مردم استعمارشده بدل کنیم. دست ماست که جمهوری اسلامی ایران را چنان قوی کنیم که توطئه‌های دشمن را در آن کارگر نیتند. انقلاب قوی و خشن‌ناپذیر است اگر توده میلیونی مردم از آن حمایت کند، چنانکه می‌کند و اگر در این پشتیبانی، لطفه‌ای و نرمای قور و مستی پیدا نمود، دست ماست، در توانائی ماست که باین مهم ناقل شویم: با ملی کردن یازرگانی خارجی، یا احیای زندگی اقتصادی برشالوده استقلال، با اجرای بند هج و هه و هه و هه قوری بزرگ‌مالکی، یا کوتاه کردن دست سرمایه‌داران بزرگ و دلالان عمده و واسطه‌های کلان، با نظارت بر شبکه توزیع و جلوگیری از گرانی، یا نوسازی صنایع و هم‌جانبه کشور از نظر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و آموزشی و انتظامی و ... ازین بسیار چیزها دست ماست، در اختیار ماست. انقلاب ما میتواند و باید یبار را در زندگی همه ایرانیان زحمتکش جاویدان کند و هر روز را به نوروزی تحول‌بخش و هر گام انقلاب را بچللو، به عیدی بیامان بدل سازد.

این عید و آن نوروز مبارک!

پایه از صفحه ۹

در نهایت به شکافهای عظیم بدل شد. امیرالیسم و ارتجاع درباری فرصت یافتند که با کودتای خاتانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تابع مسم جنبش ملیشدن نفت را ازین بریند و دیکتاتوری سیاه دست نشاندهای را بدارازای بکریع قرن بر مردم ایران تحمیل کنند.

سلطه امیرالیسم انگلیس و شرکت غاصب سابق نفت چه نتایجی برای ایران بیار آورد؟

کشور ما ایران، قبل از آنکه اهمیت نفت، بعنوان مهمترین ماده خام انرژی برای جهان سرمایه داری روشن گردد، به زیر سلطه استعمار درآمد. بود استعمارگران از اوایل قرن نوزدهم به کشور ما نفوذ کردند و رفته رفته استقلال ایران را با کسب امتیازات گوناگون پایمال ساختند. سرآمد این امتیازات، امتیاز نفت بود که اهمیت آن از اواسط قرن نوزدهم آشکار گردید.

استعمارگران انگلیسی از اواخر سالهای ۱۸۶۰ به اینطرف، بدفاعت درصدد کسب امتیاز نفت برآمدند. آنها یکدفعه در قرارداد معروف به قرارداد رویتز، امتیاز نفت را کتجنانیدند، دمه دیگر در قرارداد معروف به بانک شاهنشاهی در ۱۸۹۹ نفت ایران را از آن خود دانستند، و بالاخره در قرارداد داری در ۱۹۰۱ به امتیاز، که از آن باید بعنوان اسارت با درتین امتیاز نفتی نام برده، نائل آمدند.

طبق قرارداد داری تمام ایران، به استثنای پنج ایالت شمالی، به امتیاز سرمایه های انحصاری نفتی انگلیس داده شد. قرارداد داری ابتدا قرارداد یک شرکت خصوصی بود. در سال ۱۹۱۴ این قرارداد به متلک دولت انگلیس درآمد و شرکت انگلیسی غاصب سابق نفت بعنوان اولین انصارت نفت دولتی، به ارم عمده غارت و سلطه امیرالیستی بر ایران تبدیل گردید. از این پس امیرالیسم انگلیسی یکدفعه تاز میدان سیاست و غارت در ایران شد. شرکت غاصب انگلیسی نفت به دولت واقعی در دولت ایران تبدیل گردید. حتی حوادث عظیمی نظیر انقلاب مشروطه، جنبش های انقلابی و ملی در ایران، پس از پیروزی انقلاب اکبر، نیز نتوانست ایران را از سلطه شرکت غاصب سابق نفت و امیرالیسم انگلیس رها سازد. تغییر رژیم سلطنتی قاجار به پهلوی، دیکتاتوری ۲۰ ساله رضاشاه، و تبدیل قرارداد تنگین داری به قرارداد تحمیلی ۱۹۲۱، از نتایج عمده سلطه شرکت انگلیسی بر نفت ایران بشمار میروند.

غارت سد های بیلیون تن نفت طی پنجاه سال سلطه انحصاری بر نفت ایران و بازداشتن ایران از کسب استقلال، دسترسی به آزادی و استقرار حکومت ملی از نتایج دیگر تسلط امیرالیسم انگلیس و شرکت غاصب نفت بر ایران بشمار میروند. استعمار وحشتناک زحمتکشان، بخصوص کارگران صنایع نفت، جلوگیری از رشد اقتصادی و فرهنگی و تکامل داشتن ایران در وضع کنونی نیمه مستمره، جوانب دیگر ناشی از سلطه انحصاری شرکت غاصب نفت بر ایران را تشکیل میدهد.

همه این نتایج در یک جمله خلاصه می شود و آن اینکه: شرکت غاصب سابق انگلیسی نفت دولتی بود در دولت ایران. تا این دولت سرنگون نمی شد، کسب استقلال و آزادی، و پیشرفت در ایران میسر نبود.

اهمیت تاریخی ملی و بین المللی جنبش ملی شدن نفت - نتایج نتایجی که این جنبش عظیم به همراه داشت و نقاط ضعفی که بر آن مرتب بود.

این واقعیت، که رهائی ایران از استبداده عقید مآندگی و فقر در طرد سلطه شرکت غاصب سابق نفت گره خورده بود، از همان اوان امتیاز داری، افکار عمومی مردم ایران را بحدود مشغول میداشت. در دوران پس از شهریور ۱۳۳۰ بطور عمده حزب توده ایران بود که مردم ایران را متوجه خطر سلطه امیرالیسم و انحصارات نفتی می ساخت. اهمیت نقش شخص دکتر مصدق در آن بود، که بویژه بر ضرورت طرد شرکت غاصب سابق نفت تکیه کرد و مشثله گری را در تحقق این امر می دانست. طر است که هر دوی این کوششها، در تکوین و تدبیر جنبش ملی شدن نفت، در یکجبهت قرار داشت و نتیجه عمل از آن نیز آگاهی مردم ایران به ضرورت طرد سلطه امیرالیسم و انحصارات نفتی از ایران بود.

جنبش ملی شدن نفت ایران نتیجه مستقیم کوششهای انقلابی مردم ایران از اوایل قرن بیستم رهائی از سلطه استعمار و امیرالیسم بود. در دوران پس از شهریور ۱۳۳۰ آنچه به این کوشش بنحو باز و چشمگیری مرفورده آگاهی توده های زحمتکش و در پیشانی آنها

۳۰مین سالگرد تصویب قانون ملی شدن نفت

طی آنکه کارگر ایران بوضع و نقش خویش در زمین پیروزی مبارزات ضد امیرالیستی و دیکر اتیک مردم ایران بود. بویژه این امر، که طی دهه ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲، زحمتکش ایران دوران پرتحرکی از آگاهی سیاسی - طبقاتی و تشکل منصفی - حزبی را پشت سر گذاشتند، و به برکت وجود حزب توده ایران و شورای متحد مردمی کارگران و زحمتکشان ایران، برای شرکت وسیع در مبارزات ضد امیرالیستی آماده گردیدند، زمینه مساعدی برای آغاز و گسترش جنبش ملی شدن نفت فراهم ساخت.

بنوبه خود مبارزات دیکر اتیک و ملی طبقات و اقتدار مترقی و ملی جامعه نیز در آن دوران زمینه مناسبی را برای تکوین و تدارک جنبش ملی شدن نفت فراهم آورد. بخصوص باید یادآور شد که تشکیل گری این مبارزات بصورت اعتراضی به انتخابات تحمیلی داری، که شخص دکتر محمد مصدق رهبری آن را بعهده داشت، بعنوان سر آغاز مبارزه ملی شدن نفت، نقش مهمی ایفا کرد. پیروزی دکتر محمد مصدق ودیکر یاران او در انتخابات دوره شانزدهم، به آنان فرصت داد که با استفاده از تریبون مجلس، توطئه شرکت غاصب سابق نفت و امیرالیسم انگلیس را در تحمیل قرارداد الحاقی گس - گلشائیان عقیم گذارند و افکار عمومی را برای دفاع از طرح ملی شدن نفت آماده سازند. در جریان جنبش ملی شدن نفت مردم ایران به پیروزیهای بزرگی دست یافتند. قبل از همه، این پیروزیها در سیردن زمام امور دولت به شخص دکتر محمد مصدق تجلی یافت. دکتر مصدق سادقانه به اجرای خلعید از شرکت غاصب انگلیسی نفت، طرد لانه های جاسوسی انگلیس از ایران، دفاع از حقوق ایران در مجامع بین المللی اقدام کرد و پیروزی دیگر جنبش ملی شدن نفت، در ایحاء استقلال ایران تجلی داشت، که از باورهای امید در شخص دکتر مصدق بود، و در رشد جنبش نفتی مهمی ایفا کرد.

پیروزی های دیگر دوران جنبش ملی شدن نفت در تلاش برای رهائی اقتصاد ایران از سلطه همجانبه سرمایه های امیرالیستی، تحریک بنفشین به اقتصاد ملی، تغییرات مثبت در وضع یازرگانی خارجی و توجه به تولید داخلی، و قدمهای دیگری تجلی بود که در زمینه رعایت حقوق صنغی کارگران، مانند تصویب قانون بیمه های اجتماعی و محدود ساختن غارت و استعمار قنودالی دهقانان برداشته شد، که بر اقدامات اخیر بسیار اندک و نارسا بود.

جنبش ملی شدن نفت اهمیت بزرگ بین المللی داشت. مردم ایران درین خلقهای کشورهای عقب مانده و در حال رشد اولین کسانی بودند که زور آزمائی یا عظیم ترین قدرتهای امیرالیستی - انحصارات عمده نفتی - اقدام کردند و بر شرکت غاصب سابق نفت، که از اعضای مقتدر کارتل بین المللی نفت (هفت خواهران) بود، فائق آمدند.

جنبش ملی شدن نفت الهام بخش ملل دیگر منطقه در تشدید مبارزه ضد امیرالیستی بود. آثار این الهام بزودی در مبارزات ضد امیرالیستی مردم مصر و دیگر ملل خاورمیانه انمکس یافت.

جنبش ملی شدن نفت شانس آن را داشت، که نه فقط ایران، بلکه دیگر ملل کشورهای نفت خیز را از زیر سلطه امیرالیسم و انحصارات غارتگر نفت نجات بخشد.

جنبش ملی شدن نفت، امیرالیسم و کارتل بین المللی نفت را برای اولین بار نسبت به ادامه تسلط و غارت خود ذرفنت کشورهای خاورمیانه و نزدیک نگران ساخت. چنین نگرانی در شرایط اوضاع و احوال آن دورز جهان، که براتی پیروزی اتحاد شوروی در جنگ دوم جهانی و تشکیل دول سوسیالیستی در شرق اروپا و آسیا و موقیت انقلاب چین، تناسب نیروهای سوسیالیست مبارزات ملل کشورهای دریند تغییر یافته بود، تکرانی بیجانی نبود.

طبیعی است که امیرالیسم جهانی و انحصارات نفتی در برابر جنبش نظیر جنبش ملی شدن نفت ایران نمی توانستند، سبک بشینند. تمرک و تجمع نیروهای امیرالیستی و بسرکردگی امیرالیسم آمریکا و دستبیکگی کردن همه انحصارات امیرالیستی نفت در قبال جنبش ملی شدن نفت ایران، امری کاملاً طبیعی بود. همچنین این امر کاملاً طبیعی بود که ارتجاع ایران نیز، که در اوایل جنبش ملی شدن نفت ناچار به عقب نشینی شده بود، از این وضع خارج شود و با تکیه بر نیروهای امیرالیستی، به جنبش ملی شدن نفت بپردازد. استراتژی و تاکتیک جنبش ملی شدن نفت باید برای مقابله با چنین وضعی، یعنی اجتناب بپذیری درگیری با امیرالیسم جهانی، به سرکردگی امیرالیسم آمریکا و قرار گرفتن آشکار سرجمین داخلی، بسرکردگی دربار، در کنار نیروهای امیرالیستی تنظیم می شد و طبق آن عمل می شد. متأسفانه آنچه در جریان ملی شدن نفت تحقق یافت، اتخاذ چنین استراتژی و

تاکتیک بود. قبل از همه رهبران جنبش ملی شدن نفت و حتی خود دکتر مصدق، چنانکه باید و شاید، نقش سرکوبگر امیرالیسم آمریکا - بعنوان زاندارم بین المللی را جدی نگرفتند. انتظار رهبران جنبش ملی شدن نفت به ایفای نقش میانجی از طرف امیرالیسم آمریکا همچنان تا به آخر بقوت خود باقی ماند. در نقطه مقابل این امر، رهبران جنبش ملی شدن نفت، دانسته یا ندانسته، در دام تبلیغات امیرالیستی بودند، که در بزره مطر کونیس، در ایران جنجال میکرد و بدینوسیله از نزدیکی ایران و اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی جلوگیری می نمود. بدینوسیله عملاً به جنبش ملی شدن نفت ضربه میزد.

در داخل کشور نیز رهبران جنبش ملی شدن نفت به نقش توده های زحمتکش و آتی آنان در جریانات مبارزات ضد امیرالیستی و مردمی عمیقاً بی نبردند. پیروزی جنبش های ضد امیرالیستی و مردمی در آن دوران و امروز نیز، بدون شرکت توده های عظیم زحمتکشان - کارگران و دهقانان محال است. رهبران جنبش ملی شدن نفت با توجه به این واقعیت باید برای کارگران و زحمتکش آزادی فعالیت منصفی و سیاسی را برسمیت می شناختند و برای جلب دهقانان باید به انقلاب ارضی، یعنی سلب مالکیت از فئودالها و ملاکین عمده می پرداختند.

در هیچک از این زمینه ها رهبران جنبش ملی شدن نفت به اتخاذ تصمیمات قطع نبرداشتند. انقلاب ارضی انجام نشد و عمده ترین سازمان صنغی کارگران و زحمتکشان ایران، شورای متحد مردمی مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران و سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران - حزب توده ایران در دوران ملی شدن نفت آزادی فعالیت رسمی و قانونی خود را بازیافتند.

برداشتن به جزئیات دیگر و اختلافها و رفتارهایی که مصدق مبارزین را در جنبش ملی شدن نفت از هم جدا می ساخت، در اینجا ضرورت نیست. همین مسائل اصلی که به آنها اشاره کردیم، بوضوح نشان می دهد که، جنبش ملی شدن نفت، با وجود چنین ضعف ها، نسبی نمی توانست تثبیت شود. غالباً در بررسی اوضاع و احوال آن زمان، شکست جنبش ملی شدن نفت را به روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، منحصر می سازند و حتی تفسیر آن را به حزب توده ایران نسبت می دهند، حزبی که در جریان جنبش ملی شدن نفت، حتی از فعالیت علنی نیز محروم بود. اینها اگر از روی نا آگاهی نباشد، غرض ورزی و وارونه جلوه دادن حقایق است.

واقعیت اینست که شکست جنبش ملی شدن نفت، در اساس استراتژی و تاکتیک رهبران جنبش ملی شدن نفت نهفته بود. این استراتژی و تاکتیک بود که، نه در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بلکه در جریان دو سال و نیمه جنبش ملی شدن نفت، هر روزاتی بیشتر در جهت ضعف جنبش می گذاشت و در نهایت آن را به شکست محکوم ساخت.

نتایج مرگبار کودتای ۲۸ مرداد و شکست جنبش ملی شدن نفت - آنچه در شرایط کنونی باید از آن درس بگیریم.

کودتای خاتانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بزرگترین ضربه ممکن را به کشور ما وارد ساخت. ایران می توانست از آغاز نیمه قرن دوم بیستم، با تکیه بر پیروزیهای جنبش ملی شدن نفت، وسیعاً در جاده پیشرفت اقتصادی و اجتماعی گام بگذارد و به یکی از کشورهای پیشرفته بدل شود. شکست جنبش ملی شدن نفت، مردم ایران را از استفاده از یک چنین موهبت تاریخی محروم ساخت. کودتای ۲۸ مرداد ایران را بدوران سیاه و نکتیبار غارت و اسارت نواستعماری سوق داد. مردم ایران زیر سلطه استبدادی بر مراتب وحشتناکتر از استبداد رفاخانی، و زیر غارتی بر مراتب وحشیانه تر و عظیم تر از غارت شرکت غاصب انگلیسی نفت قرار گرفتند.

نمره یک ربع قرن استبداد سواکی محمد رضاشاهی زنده تر از آنست، که احتیاج به باز کردن داشته باشد. در زمینه غارت کسرسیوم بین المللی نفت، که جایگزین شرکت غاصب نفت گردیده، همین بس که، طی سالهای تسلط آن، غارت نفت ایران سدهای بر این بیشتر شد. شرکت غاصب سابق نفت، طی پنجاه سال تسلط خود، ۴۰۰ میلیون تن نفت از ایران را غارت کرد. کسرسیوم بین المللی نفت، در عرض کمتر از ۴۵ سال، بیش از سه میلیارد تن نفت ایران را با قیمتی حدود یک دلار در هر بشکه بفارت برد!

تا پیش از جنبش ملی شدن نفت، یک شرکت غارتگر نفت برینت ایران تسلط داشت. پس از کودتای همه اعضای کارتل بین المللی نفت (هفت خواهران) برنت ایران تسلط یافتند و، در پی آنها، همه انحصارات

نفتی از کلیه دول امیرالیستی بر سر خوان بشما غارت ذخایر نفت ایران بستند. طی سالهای تسلط کسرسیوم بین المللی نفت بیش از ۴۰۰ میلیارد متر مکعب گاز سوزانده شده، که درآمد آن، به پهای امروز، ده برابر بیش از تمام پولی است که تحت عنوان درآمد نفت به کشور ما داده شده است.

تنها همین رقم اخیر بیانگر آنست که تسلط امیرالیسم و انحصارات غارتگر نفتی بر منابع صنایع نفت ایران تا چندین دهه برای کشور ما ایران زیان آرز بوده است. ذکر این ارقام و یادآوری زبان عظیم و جبران ناپذیری که کودتای امیرالیستی - ارتجاعی ۲۸ مرداد به کشور ما وارد ساخته، تنها از جهت آشنائی به واقعیت های تاریخی مهم نیست. مهمتر آنست که با توجه به نتایج مرگباری که شکست جنبش ملی شدن نفت بیار آورد، متوجه امروز باشیم و با تمام قوا از انقلاب ضد امیرالیستی و مردمی خود دفاع کنیم.

لطمه ای نباید از این نکته غافل باشیم که، اگر این بار نیز به امیرالیسم و ارتجاع وابسته به آن فرصت دهیم، ضربات بر مراتب مرگبارتری به کشور و منافع و آینده کشورمان وارد خواهد آمد.

تجزیه تلخ گذشته می تواند و باید چراغ راه آینده باشد. جلوگیری از تکرار فاجعه شکست جنبش ملی شدن نفت و استقرار رژیم کودتا در ربع قرن گذشته، مستلزم آنست که با تمام نیرو از تکرار اشتباهات گذشته اجتناب کنیم و به هر چه در راه هیچ قیمت به نقاط ضعفی که می تواند در بنیان انقلاب ضد امیرالیستی و مردمی کنونی، که به پهای سنگین پیروز شده، تزلزل وارد سازد، امکان رشد ندهیم. یادآور شدیم که نقطه ضعف اساسی جنبش ملی شدن نفت در نداشتن استراتژی و تاکتیک منسجم انقلابی مبنی بر تمیز روشن و واضح نیروها و طبقات دوست و دشمن جنبش در سطح بین المللی و داخلی بود. در مورد انقلاب ضد امیرالیستی و مردمی کنونی نیز همین امر صادق است. امروز نیز اگر در محاسبات اصولی خود در مسائل اساسی انقلاب دچار اشتباه باشیم، یا بشویم، مسلماً در پایان کار به جانی جز آنچه حکومت ملی دکتر مصدق رسیده نخواهیم رسید.

در جنبش ملی شدن نفت مواضع فئودالها و ملاکین بزرگ و سرمایه کبیر اداری - تجاری در ده و شش دست نخورده باقی ماند. ارتجاع داخلی توانست یسا استفاده از همین مواضع ضربات جدی به جنبش ملی شدن نفت وارد کند و آنرا به شکست منصفی سازد. در جریان کنونی انقلاب ضد امیرالیستی و مردمی، که با دادن به حل بنیادی این مسائل اساسی می تواند فاجعه ایترت باشد.

در جنبش ملی شدن نفت به ارزش و اهمیت نفتی طبقه کارگر و تشکل های منصفی و سیاسی آن اهمیت داده شد و از این راه زبان جدی به جنبش وارد آمد. در شرایط کنونی پیروزی انقلاب ضد امیرالیستی و مردمی، تکرار آن اشتباه بر مراتب زیانبارتر خواهد بود. امروز نقش طبقه کارگر و زحمتکشان در انقلاب و تثبیت دستاوردهای آن بر مراتب از اهمیت بیشتر و عظیمتری نسبت بگذشته بر خوردار است. نیروهای که سعی می کنند چنین نقش و اهمیت را نادیده بگیرند و حتی تلاش دارند که این نیروها را از صحنه خارج کنند، آگاهانه یا نا آگاهانه ضربت مهلک و غیر قابل جبرانی، به مواضع انقلاب وارد می آورند. ضرورتاً فلیقه کارگر و زحمتکشان و تشکل آزاد آنان در سازمانهای منصفی و سیاسی از قانونمدنیا و اصول استراتژیک تضمین پیروزی انقلاب است. باید این اصل را شناخت، به اهمیت و ارزش و اعتبار آن بی برد و بخیاط تأمین پیروزی انقلاب بدان عمل کرد.

جنبش انقلابی کنونی از نادیده گرفتن نقش مخرب و سرکوبگر امیرالیسم جهانی، بویژه امیرالیسم آمریکا، میری است. این پیروزی فوق العاده عظیم برای انقلاب ایرانست، که همواره باید خط اصلی اساسی انقلاب بشکوهند مردم ایران باقی بماند. اما نباید پوشیده داشت که نادیده گرفتن نقش و اهمیت دوستان واقعی انقلاب در صحنه بین المللی تکرار همان اشتباهی است که متأسفانه در دوران ملی شدن نفت بعمل آمد. این یکی از نقاط ضعف انقلاب ماست، که امیرالیسم جهانی، بویژه امیرالیسم آمریکا، از آن بهره می کند و مانع از نزدیکی و همکاریهای صافهانه ایران و کشورهای دوست انقلاب ایران، منجمله کشورهای سوسیالیستی می گردد. باید توجه داشته باشیم که دوستی انقلاب ضد امیرالیستی و مردمی ما با انقلابها و کشورهای که درگیر مبارزه علیه امیرالیسم جهانی هستند، یکی اصل استراتژیک است. این اصل کلیه انقلابهاست و انقلاب ما نیز نمیتواند رعایت آن، بدون آنکه لطمه بدان وارد آید، مستثنی باشد.

جنبش ملی شدن نفت ایران امروز یک رویداد تاریخی است. از دسپهای گرنیهای این جنبش، که از صفات زین مبارزات استقلال طلبانه و آزادیخواهانه مردم ایران است، استفاده کنیم، نقاط قوت آنرا بکار بندیم و از اشتباهات و ضعفهای آن بیبریمیم.

جنبش ملی شدن نفت ایران امروز یک رویداد تاریخی است. از دسپهای گرنیهای این جنبش، که از صفات زین مبارزات استقلال طلبانه و آزادیخواهانه مردم ایران است، استفاده کنیم، نقاط قوت آنرا بکار بندیم و از اشتباهات و ضعفهای آن بیبریمیم.

حمله به کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران در قروه

کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران در شهرستان قروه کردستان، برای چندمین بار متوالی مورد حمله قرار گرفت.

عصر روز پنجشنبه ۲۹ بهمن ۵۹، عده‌ای زیر پوشش حزب اللهی، به بساط نشریات حزب توده ایران در قروه حمله کردند و ضمن پاره کردن نشریات، با تهدید و توهین و هتاهل، مانع از ادامه فروش نشریات گردیدند. همانروز، روزنامه‌های چندتن از رفقای توده‌ای، که در خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی قروه مشغول فروش بودند، به وسیله همین افراد پاره شد.

متأسفانه مسئولین ارگانه‌های دولتی و نهادهای انقلابی در قروه تاکنون با بی‌مناقتی نظاره‌گر قانون شکنیها و تجاوز آشکاره حقوق سیاسی افراد بودم هیچ اقدامی در جهت جلوگیری از این اعمال نکرده‌اند.

ما ضمن محکوم کردن این اعمال ضدانقلابی، از مقامات مسئول صبرانه می‌طلبیم که هر چه زودتر از تکرار و ادامه این جریانات که ضربه‌ای به وحدت نیروهای انقلابی است، جلوگیری کند و ضمن شناسایی این افراد، آنها را مورد تعقیب و پیگرد قانونی قرار دهند.

با حل مشکل آب و برق زاهدان، توطئه ضد انقلاب را خنثی کنید

اغلب واحدهای این سازمان، نظیر تعمیرات و انشعاب، سازمان آب یا گندی به عرضه خدمات شهر می‌پردازد، بویژه آنکه این پرسنل محدود، نظر به احتیاج نقاط مختلف استان به خدمات آبرسانی، ناگزیرند برای رفع کمبودها، کار سنگینی انجام دهند و دائماً در نقاط مختلف استان به کار بپردازند.

از دیگر مشکلات سازمان آب زاهدان، کمبود لوازم آبرسانی است. کمبود این وسایل، از قبیل کنتورهای آب خانگی، اتصالات، لوله‌های فشار قوی، انشعاب‌گیر، وسیله نقلیه و... که خود باعث کاهش عرضه خدمات آبرسانی به مردم زاهدان شده‌اند، در اجرای اقدامات برنامه‌ریزی شده و اصولی برای حل مشکلات مسئله آب نیز مشکلاتی ایجاد می‌کنند. بطور مثال می‌توان به ناکافی بودن کار تصفیه‌خانه جدید الاحداث شهر - که در شماره‌های گذشته نامه مردم نیز از آن سخن گفتیم - اشاره کرد.

این تصفیه‌خانه به علت مشکلات فنی، با وجود نیاز فراوان به کار بدون وقفه آن، قادر به رفع مشکلات آب مردم شهر نیست. تمامی این مشکلات با برنامه‌ریزی دقیق در جهت گسترش سازمان آب زاهدان، از طریق تأمین بودجه کافی، استخدام پرسنل مورد نیاز و تأمین لوازم ضروری آبرسانی قابل حل خواهند بود.

مشکلات اداره برق زاهدان اداره برق زاهدان نیز، که از قسمت اداری و نیروگاه تشکیل می‌شود، دارای مشکلاتی است که باعث گندی امور شده است. این مشکلات بخصوص گریبانگیر قسمت نیروگاه این اداره است که در ابتدای جاده قدیم زابل واقع شده و دارای ۱۴۰ کارگر در قسمتهای مختلف

شهر زاهدان از نظر آب و برق دارای مشکلات و مسائل متعددی است، که در مجموع باعث دشواری زندگی مردم محروم و زحمتکش این ناحیه از کشور ما شده است، بطوریکه میتوان گفت حل سریع این مشکل، گام بزرگی در جهت ایجاد امید و اطمینان بیشتر در مردم منطقه نسبت به انقلاب و دستاوردهای آن و همچنین خنثی کردن توطئه‌های تبلیغاتی ضد انقلاب، خواهد بود.

آب زاهدان غیربهداشتی است

غیربهداشتی بودن آب زاهدان اساسی‌ترین مشکل مردم شهر در زمینه آب آشامیدنی است. این آب به علت داشتن املاح و مواد گوناگون سنگین است و آشامیدن آن باعث ابتلا به بیماریهای گوناگونی می‌شود. لذا مردم معمولاً از این آب استفاده نمی‌کنند و آب آشامیدنی مورد احتیاج خود را از روستای ۸ کیلومتری این شهر بنام «گوروتنه» تأمین می‌کنند. البته باید گفت که به علت دوری این مسافت، هم‌کس نمیتواند از این آب شیرین استفاده کند و بیشتر کسانی قادر به تأمین آب خود از این طریق می‌شوند که برای وسیله نقلیه باشند.

از سوی دیگر باید به مشکلات سازمان آب شهر زاهدان اشاره کرد. این سازمان، که دارای دو قسمت خدمات شهری و تصفیه‌خانه شهر زاهدان است، دچار مشکل کمبود پرسنل و کمبود لوازم آبرسانی است. در این زمینه باید گفت که در حال حاضر بیلت کمبود پرسنل در

هفت‌شین!

در گذشته بجای هفت‌شین، بر سر سفره عید، هفت شین میگذاشتند. هفت‌شین اصنام چنین است:

- ۱- شیطان بزرگ - آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند.
- ۲- شرورترین نیروها در برابر مردم پهاخته ایران زیون هستند.
- ۳- لشکرهای امپریالیسم آمریکا، ضدانقلابی‌ترین و پلوردماش، لیرالها و مائوئیستهای آمریکائی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران عاقبت ندارند.
- ۴- شورانگیزترین وظیفه انقلابی، مبارزه در راه اتحاد نیروهای انقلابی است.
- ۵- شیرین‌ترین زندگی‌ها مبارزه در راه تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب است.
- ۶- شهدای راه استقلال، آزادی و ترقی ایران همیشه زندمانند.
- ۷- شوکه‌مند و بی‌روز است جنگ برحق، علیه جنگ تجاوزی آمریکائی رژیم چائیکار صدام.

رئیس مجلس: مجلس تعهد دارد خواسته‌های امام خمینی را اجرا کند

جلسه علنی دهمین روز مجلس شورای اسلامی به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. اولین نطق پیش از دستور این جلسه، حینی و انتقد نماینده رامیان بود.

رجبعلی طاهری، نماینده مردم کازرون، دومین نطق پیش از دستور بود. سومین نطق پیش از دستور حجت‌الاسلام صلح خلغالی بود که، ضمن سخنرانی، به توطئه صدام در مورد تجزیه ایران اشاره و تأکید کرد که ملت ایران برهبری امام خمینی دشمن را شکست داده و خواهد داد.

سپس مجلس وارد دستور شد و گزارش «کمیسیون راه و ترابری» در خصوص اخذ هزینه صدور پروانه دزدیابردی مطرح گردید. پس از سخنان مسائق و مخالف، لایحه به رای گذاشته شد و کلیات آن با اکثریت آراء به تصویب رسید.

آنگاه گزارش «کمیسیون مسکن و شهرسازی» در خصوص رد لایحه بازسازی و تعمیر و مرمت مناطق جنگ‌زده به مجلس ارائه شد. که به تصویب مجلس رسید.

سپس گزارش «کمیسیون راه و ترابری» در خصوص «تفویض اختیارات و وظائف شورای عالی هواپیمایی کشوری» به مجلس ارائه شد. در مورد این لایحه نمایندگان به موافقت و مخالفت سخن گفتند. سپس رای گیری شد و با اکثریت آراء به تصویب رسید.

آنگاه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، با اشاره به پایان یافتن مدت آئین‌نامه داخلی مجلس و آماده نبودن آئین‌نامه جدید، پیشنهاد کرد که آئین‌نامه داخلی فعلی مجلس به مدت سه ماه تمدید شود. این پیشنهاد با اکثریت آراء تصویب شد.

سپس گزارش شور اول «کمیسیون راه و ترابری» در خصوص «تمدید مدت مذکور در تبصره لایحه قانونی راجع به اجازه خرید دستگاهها و تجهیزات وسایل یدکی و سایر وسایل مربوط به دستگاههای ناوبری و ارتباطی و تجهیزات فرودگاهی و مسئله سفران هواپیمائی کشوری» به مجلس ارائه شد.

در مورد این لایحه چند موافق و مخالف سخن گفتند و سپس کلیات آن به رای گذاشته شد و مورد تصویب قرار گرفت.

مشکلات اداره برق زاهدان

اداره برق زاهدان نیز، که از قسمت اداری و نیروگاه تشکیل می‌شود، دارای مشکلاتی است که باعث گندی امور شده است. این مشکلات بخصوص گریبانگیر قسمت نیروگاه این اداره است که در ابتدای جاده قدیم زابل واقع شده و دارای ۱۴۰ کارگر در قسمتهای مختلف

تصویب ۵ میلیون دلار اعتبار از طرف سنای آمریکا، برای رژیم دست‌نشانده السالوادور

کمیسیون فرعی مجلس سنای آمریکا، ویژه فعالیتهای خارج از کشور، واگذاری ۵ میلیون دلار به رژیم السالوادور را تصویب کرد. این مبلغ تنها بخشی از کمکهای نظامی و تسلیحاتی است که دولت ریگان برای سرکوب جنبش مبین‌دوستان در اختیار رژیم حاکم السالوادور میگذارد. این اعتبارات بصورت اسلحه و تجهیزات نظامی و هلیکوپتر ویژه جنگهای ضدپارتیزانی، از جانب آمریکا به السالوادور داده میشود. افزایش شمار مستشاران نظامی آمریکا و اعزام کماندوهای آمریکائی به السالوادور، که مستقیماً در عملیات سرکوب مبین‌دوستان این کشور شرکت دارند و کمکهای نظامی و تسلیحاتی آمریکا به رژیم السالوادور، نمایانگر مداخله نظامی گسترده امپریالیسم آمریکا در این کشور است.

کارشناسان نظامی آمریکا مردم السالوادور را «تشییه» میکنند

در السالوادور، نیروهای حکومتی نظامی یعنی حکومت وابسته به آمریکا به عملیات تشیییه خود از زمین و هوا علیه مبارزان مبین‌دوست ادامه میدهند. تنها در هفته گذشته، ۸۰۰ تن در این کشور کشته شدند. رهبری عملیات تشیییه را «کارشناسان» نظامی آمریکا رهبری میکنند، که شماره آنها بیش از هزار است. در این میان، سه عضو «کمیسیون روابط خارجی» سنای آمریکا مخالفت خود را با پشتیبانی دولت ریگان از رژیم السالوادور ابراز داشته‌اند. این سه سناتور دمکرات پیامی در این باره به رئیس‌جمهور آمریکا فرستاده‌اند.

حمله به کیوسک حزب توده ایران دریم

پدنبال تشدید فعالیت ضد - انقلاب، روز دوشنبه بیستونهم اسفندماه سال جاری، کیوسک نشریات حزب توده ایران در یم توسط افراد مشکوک غارت شد. در این حمله کلیه کتب و نشریات موجود به سرت برد شد. از طرف دیگر مدتی است که به خانه‌های اهالی شهر دستبرد زده می‌شود، که نشانگر فعالیت وسیع ضدانقلابیون است. آنها قصد دارند که با انجام اینگونه اعمال، مردم را نسبت به قدرت اجرایی مسئولین امنیتی این شهر نامطمئن کنند و به این ترتیب نقشه‌های ضدانقلابی خود را عملی سازند.

ما ضمن محکوم کردن اینگونه اعمال ضدانقلابی، برای چندمین بار از مسئولین امنیت شهر می‌خواهیم که با برقراری نظم و امنیت در شهر، تبلیغات ضدانقلابی را در مورد عدم امنیت، در شهر خنثی کنند.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده اعتبار
و مدیر مسئول:
منوچهر بیژری
خیابان ۱۱ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 472
19 March 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۳۵۵۱/۴۱، منطقه ۱۴ پستی تهران